وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

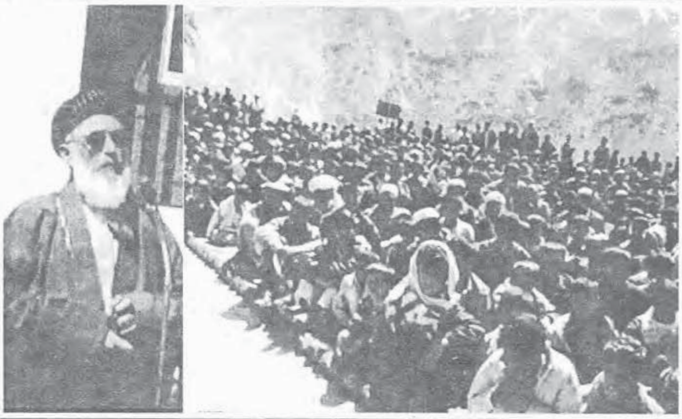
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره بیستم چهارشنبه ۶ حمل ۱۳۸۲ - ۲۶محرم الحرام ۱۴۲۴ - 27 March 2003

سرمقاله
جنگ عراق یک فاجعه بشری است
ص۲

حمله امریکا بر عراق وتاثیرات آن بر افغانستان
ص۲

نکاتی دربارهٔ برنامه بازسازی وتوسعهٔ شهر کابل
ص۶



استاد در روز نخست سال نو بر سر مرقد سپهسالار شهید:

وفاداری با سپهسالار شهید درادامه راه اووحفظ ارزش های جهاد است

ملتی که حماسه وقهرمان ندارد کرامت وهویت تاریخی ندارد

ص۳

روز معارف تجلیل گردید

روز معارف با برگزاری محفل خاص و شکوهمندی تجلیل گردید.

به مناسبت بزرگداشت از روز معارف برای بار نخست به ابتکار وزارت معارف قبل از ظهر شنبه دوم حمل محفلی در تالار لیسه امانی بر گزار گردیده بود. در این محفل آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان و تعدادی از اعضای کابینه و رهبران جهادی و لخضر براهیمی نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور افغانستان و فرانسس ویندرل نمایندهٔ خاص اتحادیه اروپا، وشماری از سفرای کشور های خارجی مقیم کابل و تعدادی از معلمین و منسوبین وزارت معارف اشتراک داشتند. در این محفل پیام محمد ظاهر بابای قوم توسط نماینده او قرائت گردید. حامد کرزی طی بیانیه مبسوطی از توجه و خدمات ارزنده و زیر معارف کشور در امر بهبود امور تعلیم و تربیه فرزندان وطن اظهار امتنان و قدرانی نمود. حامد کرزی از معلمینی که با وجود فقر و تهیدستی وعدم به دست آوردن معاش کافی این و ظیفه مقدس را انجام داده اند اظهار سپاس وامتنان نمود. محمد یونس قانونی وزیر معارف برنامه و استراتژی تعلیمی جدیدی را زیر نام "سال نو، طرح نو" طی گزارشی به جلسه ارائه نمود.
ص۸



عملیات آمریکایی ها در قندهار ادامه دارد

به اساس گزارش رادیو فرانسه، یک هزار سرباز نیروهای ائتلاف ازروزپنجشنبه تاحال(سه شنبه)درقندهار به ضد بقایای القاعده وطالبان مصروف یک عملیات گستردهٔ نظامی هستند.

در نتیجهٔ این فعالیت وسیع که از حمایت وسیع زمینی وهوایی برخوردار بوده است، تا کنون فقط شش تن به اتهام وابستگی با طالبان والقاعده دستگیر گردیده اند.

کشف یک انبار بزرگ سلاح و مهمات که انواع سلاح ها به شمول راکت ها و هاوان هاو ماشیندارها وسایر تجهیزات در آن ذخیره شده بود به دست نیروهای ائتلاف افتاده است. گفته می شود شمارش این سلاح ها تا هنوز تمام نشده و ادامه دارد. قراریک گزارش دیگر: حدود چهار صد نفرازنظامیان امریکایی در ساحهٔ میان ولسوالی های معروف وسپین بولدک مستقر بوده و افراد القاعده و طالبان را در این نقطهٔ حساس مرزی تحت نظر دارند. گفته می شود یک انبار سلاح به دست آمده در کوه های "اوباتو" قرار است به زودی منفجر ساخته شود.

از اطلاعات و گزارش های خبری می توان نتیجه گرفت که فعالیت نیروهای ائتلاف غرض جستجو و رویایی با افراد مظنون القاعده وطالبان مخصوصاً در ولایات قندهار و همجوار روز تا روز شدت و وسعت بیشتر می یابد.

تحولات جنگ عراق

نصیر

جنگ امریکا وبریتانیا بر ضد عراق وارد ششمین روز خود گردید، هر چند پیش ازآغاز جنگ محاسبات جهانیان طوری بود که شاید این جنگ به درازا نکشدو در ظرف چند روز امریکا و بریتانیا با دلایلی مانند برتری اسلحه، تخنیک جدید محاربوی، اقتصاد نیرومند، در دست داشتن بزرگترین و پیشرفته ترین نیروی هوایی - که در مقابل عراق فاقد آن می باشد-، مخالفت مردم عراق با رژیم استبدادی صدام حسین، اختلافات شیعیان در جنوب و کردها در شمال کار حکومت عراق را یکطرفه نموده، طبق بر نامه بعد از نابودی اسلحهٔ کشتار جمعی آن کشور نظام مردمی دلخواه خود را در آنجا حاکم سازند.
ص۷




پیلوتان اسیر امریکایی درعراق



عراق پس از حمله هوایی امریکا



تجمع نیروهای ائتلاف ضد عراق بر دروازه های شهر بصره

آیندهٔ مناسبات با پاکستان چگونه خواهد بود؟

بر اساس گزارش ۴ حمل رادیوی صدای آزادی از مدتی بدین سو در مرزهای افغانستان با پاکستان تحولاتی نخواسته و غیر قابل پیش بینی صورت می گیرد. در برخی مناطق مرزی پوسته های پاکستانی فاصله های وسیع و طولانی را زیر پا گذاشته، در نقاطی در داخل خاک افغانستان جابه جا می شوند.

گفته می شود در این اواخر فعالیت های گسترده یی برای جلب رضایت مردم مرزی افغانستان توسط مقامات پاکستانی به راه انداخته شده است، ظاهراً با این هدف که در محلات مورد نظر، شفاخانه ها و مکاتب و جاده هایی مواصلاتی ساخته خواهد شد و برای این منظور نمایندگان محلی و ریش سفیدان را به محل فرستاده اند تا با مردم و ساکنان نواحی مورد نظر مذاکره کنند و، آنان را وادار به همکاری نمایند.

این گونه مسایل و رخدادها در شرایط بغرنج وپیچیدهٔ کنونی شاید تأثیرات ناگواری بر روابط حساس دو کشور که سعی می شود بسیار حسنه باشد، به جا بگذارد.

اما تا کنون معلوم نیست مقامات مسوول دولت انتقالی به این مسایل دامنه دار چگونه برخورد خواهند کرد.
ص۸

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

جنگ عراق یک فاجعه بشری است

جنگ آمریکا بر ضد عراق امروز سه شنبه ۵ حمل وارد ششمین روز خود گردید. گمان می رفت این جنگ دراکثر پیش بینی ها جنگ چند ساعته باشد نه جنگ چندین روزه، اما شدت جنگ در ششمین روز آن به سان روز نخست ، نشان می دهد این همه تصورات باطل از آب در آمده است.

ایالات متحدهء آمریکا در به راه انداختن این جنگ به مخالفت های شدید و گسترده میلیونی مردم در داخل آمریکا و سراسر کشورهای دیگر جهان وقعی ننهاد.

در این جنگ ایالات متحدهء آمریکا از پشتیبانی اندکی در سطح جهان بهره مند است، از اعضای شورای امنیت و از کشورهای دارندهء حق ویتو در آن تنها انگلستان را با خود دارد و از همین روی جنگ را بدون روی کرد و تصویب شورای امنیت آغازید.

روسیه و فرانسه و آلمان در شورای امنیت از مخالفان شدید این جنگ بودند و روسیه به صراحت بیان داشته بود که در حالت مطرح شدن این مسأله در آن شورا بر ضد آغاز جنگ از حق ویتوی خود استفاده خواهد کرد و تا هنوز این کشور بر موقف خود در مخالفت با جنگ بیشتر از دیگران تأکید می ورزد.

در این جنگ از پیشرفته ترین جنگ افزارها استفاده صورت می گیرد ، ایالات متحدهء آمریکا موشک های رهبری شدهء کروز وتو ماهاک و هواپیمای ب۵۲ و هواپیما های جنگنده و انواع توپ و تانک را به کار بسته است، در مقابل حکومت عراق نیز از تکنولوژی رزمی پیشرفته یی کار گرفته است وشماری از موشک های کروز و بمب های پرتاب شده توسط هواپیماهای بمب افگن ب۵۲ را از اهداف مشخص منحرف ساخته است که در نتیجه بر پایهء گزارش های خبری بیشتر بر اهداف غیر نظامی اصابت کرده و موجب تلفاتی وخسارت هایی در میان غیر نظامیان شده است و گاهی هم حتی از مرزهای کشور عراق تجاوز کرده و بر خاک کشورهای همجوار آن رسیده است.

عراق از سوی ایالات متحدهء آمریکا متهم به داشتن سلاح کشتار جمعی شده بود و با صدور قطعنامۀ ۱۴۴۱ شورای امنیت مبنی بر تقاضای ایالات متحدهء آمریکا هیأت بازرسی ملل متحد موظف شد تا در این باره به بررسی پردازد ولی ایالات متحدهء آمریکا به دلیل عدم همکاری عراق با هیأت بازرسی ملل متحد در این زمینه خواستار حمله بر عراق شد.

اما جنگی که به دلیل خلع سلاح کشتار جمعی به راه انداخته شده بود خود در شرف به یک جنگ کشتار جمعی و یک فاجعه درد آور انسانی انجامیدن است. تا هنوزبرپایۀ گزارشها شماری بزرگ نفر از عراقیان و تعدادی از سربازان آمریکایی وبریتانیایی جان خود را دراین جنگ از دست داده اند و آب و برق شهر بصره قطع شده و جنگ بر دروازه بسیاری از شهرهای عراق رسیده است که در حالت ادامۀ جنگ پیاده نظام در داخل شهر ها به یقین میزان خسارات جانی و مالی چند چند بالا خواهد رفت.

بی تردید رژیم عراق چه در بارهء مردم آن کشور و چه در بارهء کشورهای همسایه اش مانند ایران و کویت تخطی هایی کلان ورزیده و برضد آن ها جنگ افروخته است، ولی به هیچ حال چنین کاری موجب مشروعیت کشتار و شکنجهء مردم عراق نمی شود، قربانی اصلی این جنگ را باشندگان عراق تشکیل می دهند و نه سیاستمداران این کشور.

مردم افغانستان که طی سال های دراز طعم تلخ جنگ های گونه گون را چشیده اند بیشتر از دیگران با نگرانی به سرنوشت مردم مظلوم عراق می نگرند، مردمی که دوازده سال مضاف برمصایب این جنگ شوم، درد و رنج محاصرهء اقتصادی را کشیده اند.

مردم افغانستان با ملت جفا دیدهء عراق افزون بر این رابطهء عاطفی ناشی از همسر نوشتی درجنگزدگی، دارای پیوندهای استوار دینی وفرهنگی است که هرگز نمی تواند درد و رنج ضربات فرود آمده بر پیکر ملت عراق را با پوست وگوشت احساس نکند. لذا ملت مسلمان افغانستان به سان همۀ وجدانداران جهان خواستار توقف عاجل جنگ وحل مسأله از راه های مسالمت آمیز است و ما باور داریم که این جنگ به هر بهانه یی که باشد فرایندی جز درد و رنج و ویرانی و محرومیت ندارد وپدیدۀ محکوم است.

حمله امریکا بر عراق و تاثیرات آن بر افغانستان

سمیر سنان

علی الرغم مخالفت های گسترده درسطح بین المللی نیروهای امریکا و انگلیس حمله بر عراق را آغاز کردند. از آنجا که این حمله بدون موافقت با سایر اعضای شورای امنیت صورت گرفت، این شورا دچار دو دستگی شد و به این ترتیب جهان به مرحله جدید از مرز بندی های سیاسی وارد گردید.

هر چند هنوز زود است تا تاثیرات و تبعات این جنگ بصورت همه جانبه بر روابط بین المللی مورد ارزیابی قرار گیرد ولی از آنچه که تا امروز واقع شده است می توان گفت حد اقل در شرایط فعلی ما با (غرب) به مفهوم یک پارچه آن مواجه نیستیم . غرب واحد به مفهوم سیاسی آن که روزگاری جنگ سرد وخطر کمونیزم عامل وحدت آن بود دیگر وجود ندارد.

درست است که فرانسه حتی در دوران جنگ سردنیز گاهی موجبات مزاحمت برای امریکا را فراهم می آورد ولی درآن حال اروپا هم به علت ترس از کمونیزم و ابرقدرتی چون اتحاد شوروی وهم به این دلیل که امریکا بعد از جنگ جهانی دوم به وسیله پلان مارشال بزرگترین کمک را به بازسازی اروپا انجام داد خود را مدیون و تحت الحمایه امریکا می دانست.

اما جهان امروز با وضع جدیدی روبرو است که طبعاً از تاثیرات منفی احتمالی آن کشور مانیز تاثیر خواهد پذیرفت. نگرانی دراین مورد حتی قبل ازحمله بر عراق نیز از زبان آقای اخضرابراهیمی و رهبران سیاسی کشور ما با لحن تاحدودی التماس آمیز بر زبان آمده بود.

نکتهء جالب اینجاست که بزرگان ما در رابطه با این حمله اظهارات ضد و نقیضی بر زبان آوردند که خود نشان از عمق تفرقه انگیز این مساله حتی در ذهن کسانی دارد که اصولاً با هم، همنظر به شمار می آیند. رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در آغاز این حمله را موجه شمردند ولی بعداً در جلسه هفتگی شورای وزیران گفتار قبلی خود را کمی اصلاح کردند.

وزیر امور خارجه آقای دکتر عبدالله اظهارات رئیس هیأت بازرسان سازمان ملل متحد در باب همکاری کردن رژیم عراق درامر خلع سلاح را نادرست شمردند که تا حدودی این ضرب المثل را در ذهن تداعی می کند که (مدعی سست گواه چیست!) و ایشان نیز حمله امریکا و انگلیس بر عراق را مشروع و قانونی دانستند. محترم شیخ الحدیث مولوی فضل الهادی شنواری قاضی القضات این حمله را محکوم کردند و جنرال اسماعیل خان عملیات نظامی امریکا را به تجاوز شوروی سابق به افغانستان تشبیه کردند.

ما این اظهارات ضد ونقیض را یکی از مزایای تجربهء نوپای دیموکراسی درافغانستان می دانیم که هرکس حرف دل خود را ویا آنچه را که مصلحت می دانست بر زبان آورد ولی این سوال به جای خود باقی است که کدام یک از این اظهارات نظر رسمی دولت افغانستان تلقی خواهد شد و جامعهٔ بین المللی چه نوع برداشتی از این مواضع متضاد خواهند داشت.

از آنجا که امریکا دراین حمله توجهی به مخالفت اکثریت متحدین اروپائی خود نداشت و مخالفت با این حمله در اروپا بسیار گسترده بود، می توان پیشبینی کرد که تمایلی در اروپا تقویت خواهد شد که امریکا را با مشکلات بین المللی اش تنها بگذارند. این تمایل به روی توجه اروپا به افغانستان و کمک به بازسازی این کشور جنگزده اثر منفی از خود برجا خواهدنهاد. زیرا امریکا ضربه یازدهم سپتامبر را از افغانستان خورده و رهبری حمله برطالبان را بر خود بعهده گرفت واکنون نیز در تامین ثبات و نیز در بازسازی افغانستان مسئولیت عمده به دوش این کشور است.

اگر رژیم صدام حسین به سرعت سرنگون نگردد ودوام جنگ موجب خرابی های گسترده در آن کشور به خصوص در صنعت نفت گردد پس از ختم جنگ کاربازسازی عراق در اولویت قرار خواهد گرفت زیرا امریکا می خواهد مصارف این جنگ را از نفت عراق تامین نماید.

وضع عراق به عنوان بخشی از پیکر دنیای عرب برای همه کشور های عربی مهم است بنا بر این امریکا مجبور خواهد بود با کمک های گسترده به خصوص در بخش امداد بشری وضع عراق را بهتر از دوران رژیم صدام حسین جلوه دهد. این کار هم برای جلب حمایت مردم عراق از رژیم جدید جانشین صدام حسین ضروری است و هم امریکا با این کار در صدد دلجوئی از افکار عمومی درجهان عرب برخواهد آمد و این مسأله خودبرکاهش توجه برافغانستان بی تاثیر نخواهد بود.

اگر پس از سرنگونی رژیم صدام حسین وضع امنیتی در عراق مساعد گردد و زمینه برای بازسازی وکمک های بین المللی فراهم شود عراق به خاطر منابع عظیم طبیعی اش یک بازار خوب برای اروپا نیز خواهد بود و سرمایداران اروپا و جاپان نمی خواهند از این بازار پرمنفعت محروم بمانند. به این ترتیب عراق پس از صدام بسیار بیشتر از افغانستان پس از طالبان محراق توجه قرار خواهد گرفت. ص ۵

قسمت سوم

نقش تعصب قومی درسقوط دولت اسلامی اندلس(هسپانیه)

نوشتهٔ دکتر عبدالحلیم عویس

ترجمهٔ فضل الرحمن فاضل

اندلس شامل عناصر اجتماعی متعددی بود که جز بر اساس اسلام و برپایی برادری و شریعت، از راه دیگری به همدلی دست نمی یافتند.

دشمنان شمال در منطقه گشتاله و ماورای آن، دشمنان آشکار و کمین کردهء اندلس بودند، و پراگندگی نژادی که بذرهای عداوت را کشته بود، به نمو و انکشاف آغازیده و بیماری ای بود داخلی که همچو سرطان به همه بدن سرایت می کرد و مددگار بزرگ و مهمی برای دشمن خارجی در تحقق اهداف شوم و نامیمونش بود.

با تأسف فراوان مسلمانان این حقیقت را درک نکردند و برنامه هایی را که متکفل مزج اجتماعی سالم میان ساکنان اصلی آن سرزمین و نو واردان اعم از عرب و بربر، و غربی های ساکنان اصلی شمال افریقا که همراه با فتح اسلامی یا بعد از آن آمدند و موالی منسوب به سرزمین های گوناگون شرقی در پهلوی نصرانیان، ممالیک (بردگان)، اسلاوها که از سرزمین های مختلف غربی سرازیر شده بودند و بارزترین عناصر تشکیل دهنده جامعهء اندلس بودند، نریختند.

ساکنان اصلی اندلس را که (عجم اندلس) می خواندند اکثریت شان از مردم هسپانیه بودند که نسل بعدی شان به نام (مولدین) یا (دورگه ها) یاد می شدند، زیرا پدران شان عرب و مادر شان هسپانوی بودند و خانواده های زیادی از این دو رگه ها به نام های بنی مردنیش، بنی غرسیه، بنی ردلف، بنی انجلین، بنی شبرقه و بنی جریج مشهور شدند.

نوواردان عبارت بودند از عرب هایی که از شرق آمده بودند و گروه های اولی شان را "بلدیین" یا شهری ها می خواندند و آنانی که بعد از ایشان می آمدند شامی ها نامیده شدند.

از جمله نوواردان، بربرهای شمال افریقا بودند که اکثریت لشکر طارق بن زیاد را تشکیل می دادند.

موالی یا رعیت در رکاب عرب ها آمدند و به آن ها پیوند داشتند، از همین رو از جملهء آن قبایلی شمرده شدند که این رابطه، ایشان را با هم پیوند می داد.

ممالیک یا بردگان از مناطق اسلاو (جزء کشور های اروپایی) آورده می شدند.

دکتر احمد هیکل می گوید: این تعدد نژادهای بشری به این معنی نیست که جامعهء اندلس جامعهء از هم فروپاشیده بود و در اختلاف به سر می برد. حقیقت این است که ساکنان اندلس را علی الرغم این همه تعدد نژادها، پیوندهای مستحکمی با هم ارتباط می داد و به همه رنگ اندلسی می بخشید. محیط مشترک و فرهنگ مشترک داشتند، حکومت واحد و سیاست واحد بر آن فرمان روایی می کرد و به برکت همین وحدت، تمدن درخشان و شگوفای اندلسی ظهور کرد و همه نژادها را با شیوه و سبک تمایان اندلسی رنگ داد.

البته این عوامل جامعه اندلس را تا قرن ها حفظ کرد و اندلس توانست با تمسک به آن با مشکلات دست و پنجه نرم کند و سهم درخشان و قابل ملاحظه ای در کاروان تمدن بشری بگیرد، و این عوامل اندلس را واداشت تا در برابر پیشروی های نصرانی های کمین کردهء شمال در عهد اموی ها و حکومت مرابطین و موحدین (دوسلسله اسلامی ای که بر افریقا فرمان راندند) به پا ایستند.

اما این عوامل تاثیراتش را به آهستگی و تدریج از دست داد که جز جامعه شناسان و پژوهشگران "مد وجذر" تمدن ها، دیگران به آن آگاهی حاصل نمی کردند. این عوامل همچنان در دوران هایی که فرمان روای قوی و عادلی وجود نمی داشت و به دساتیر شریعت عمل نمی شد، نمایان می گردید و جامعه بافت هایش را از دست می داد و طایفهء نیرومند، با زور بر تسلطش ادامه می داد.

ادامه دارد

استاد در روز نخست سال نو بر سر مرقد سپهسالار شهید:

وفاداری با سپهسالار شهید درادامه راه اووحفظ ارزش های جهاد است

الحمدلله وکفی والصلاه والسلام علی عباده الذین اصطفی

اما بعد : فقد قال الله تعالی فی القران الکریم، بسم الله الرحمن الرحیم

من المومین رجال صدقواما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر ومابدلو تبدیلا. الآیة

با درود به روان پاک همه شهیدان راه آزادی واستقلال ودر راس شان سپهسالار شهید انجنیر احمد شاه مسعودکه اکنون در میان ما وشما نیستند. اکنون در شرایطی که افغانستان وارد یک مرحله جدیدی از حیات اجتماعی خود شده است واقعاً آن قهرمانان عزیزی که به خون پاک شان لاله های خونین بهاری کشور آبیاری شد امروز درمیان ما نیستند، اگر این شهیدان عزیز جسماً در میان ما نیستند اما در جوار رحمت الهی زنده وجاویدند.

ولاتقول لمن یقتل فی سبیل الله أموات بل أحیاء عنده ربهم یرزقون.

یقیناً شهیدان همیشه زنده وجاوید هستند آنان در پیشگاه خدا و در وجدان تاریخ ودر ضمیر ملت ها و دریاد یاران با وفای شان برای همیش زنده اند. امروز انجنیر احمد شاه مسعود در میان ما وشما نیست اما آرمان وپیام و دست آورد های عظیم او درمیان ما ودر تاریخ کشور ما و در ضمیر و وجدان یاران با وفای او برای همیش زنده است. ملت های زنده ملت هایی اند که قهرمان دارند وحماسه دارند. ملت های زنده وسر بلند و آزاده ملت هایی هستند که قهرمان می سازند وپیام قهرمانان را زنده نگه می دارند. ملتی که حماسه وقهرمان ندارد ملتی است که کرامت و حیثیت تاریخی ندارد. امروز آزادی افغانستان وعزت وکرامت وسربلندی ملت افغانستان همه محصول رنجهای قهرمانان عزیز و شهیدان زنده وجاوید است. اگر این قهرمانان و شهیدان واگر این فرماندهان با ایمان در صحنه نمی بودند واین مجاهدان سنگر نشین واین ملت با ایمان وسربلند در میان نمی بودند به یقین ما امروز کشور واستقلال نمی داشتیم. امروز برادران عزیز آن قهرمانان وشهیدان زنده وجاوید در میان ما وشما نیستند اما شما یاران و سنگر داران وملت عزیزی که چنین قهرمانانی را ساختید وچنین شهیدانی رابه جامعه تقدیم نمودید حضور دارید. وفاداری واحترام به شهیدان و قهرمانان تنها در این خلاصه نمی شود که گاه از آنان به نیکی نام برید یا فوتو های گرامی شان را ابزار زینت خانه ودفتر خود کنید و پیام و راه و دست آورد و آرمان شان را فراموش کنید.

شما مجاهدان عزیز این مطلب را خوب می دانید اگر روزی فرمانده عزیزتان مسعود شهید در یک سنگر نیاز می داشت تا یکی از گروه ها را بدان جا بفرستد آیا او به این حرف خوش می شد که یک فرمانده می گفت چون من در قرارگاه خود فوتوی انجنیر احمد شاه مسعود عزیز را دارم پس ضرورت نیست که به سنگر بروم ؟ نه خیر دلیل روشن وفاداری و محبت و علاقه مندی شما با فرمانده عزیز تان دراین مطلب بود که به هر سنگری که شما را می فرستاد شما دلیرانه به آن سنگر می شتافتید امر و فرمان او را اگر اطاعت نمی کردید هرگز شما به عنوان یک یار وفادار نمی بودید اما افسوس که او امروز درمیان شما نیست ولی او شعله یی جاویدان را روشن ساخته است که هرگز خاموش نخواهد شد آیا شما که وفادار وپاسدار آرمان او هستید راضی می شوید که این شعله جاویدان او خاموش گردد نه هرگز راه جهاد و راه مقاومت و دست آورد های آنها در کشور ما فراموش نخواهد

> **مجاهدان و کمونستان اشرار وطالبان توپکی و کسانی دیگر جنگ سالار می گویند که هر سه یک گپ است درسه قالب.**

شد وباید آنها در زندگی ما عملاً محسوس باشد شما دیروز با توطئه های تهاجمی مقابله می کردید امروز در برابر چلنج هایی جدید ودر برابر امتحانی جدید قرار دارید باید سخت ملتفت باشید، هستند کسانی که دیروز هم نمی خواستند ملت آزاد وسر بلند ومستقل باشد، کشور ها وجهت هایی بودند که به خاطر محکومیت ملت افغانستان و به خاطر نابودی افتخارات تاریخی وملی ما تلاشهایی بسیار ظالمانه انجام می دادند اما در اثر فداکاری وصبر واستقامت و دلاوری وصلابت و جهاد ومقاومت شما توطئه دشمنان باکمال ذلت وزبونی شکست خورد و جهاد ومقاومت پیروز شد اما امروز باردیگر از دور ونزدیک توطئه هایی پنهان و آشکار برضد جهاد چیده می شود شما سخت متوجه باشید. جریان سیاهی که به نام طالب با چه حرفها وشعارهایی برای ازبین بردن افتخارات وحماسه های بزرگ دینی وملی ملت ما علیه جهاد بسیج شدند آنها مجاهدین عزیز وقهرمانان بزرگ ما را به نام توپکیان (تفنگداران) و دیروز در دوران جهاد مجاهدین را به نام اشرار یعنی گروه شر وفساد می خواندند در حالی که آنها خود عناصر مزدور وشریری بودند که فرزندان راستین کشور را به بد ترین القاب یاد می کردند اما دیدیم که طالبان هم مانند پیروان مارکسیزم همان شعار را سر می دادند امروز هم یک باردیگر ترجمه همان حرف ها به زبان تعدادی از اشخاص علیه شما وعلیه مجاهدان استعمال می شود. دیروز توپکیان می گفتند امروز تفنگ سالار وجنگ سالار می گویند این عین همان حرف وعین همان القابی است که دیروزطالبان با قواره های چرک و منحوس خود شما را توپکیان (تفنگدران) می گفتند امروز تعداد دیگری با سر وروی به ظاهر آراسته مجاهدان را به نام جنگ سالار یاد می کنند می خواهند دیگرمجاهدان ما به نام جنگ سالار از صحنه دور شوند وسیاست مدار ها وروشنفکران مجاهد به نام اخوانی وبنیاد گرا کوبیده شوند و علما وروحانیون ما به نام آخندو طالب ومرتجع از صحنه دور شوند وملت عزیز ومقاوم مان به نام خرافاتی وجاهل از صحنه دور شود پس، ازاین ملت که می ماند آیا این حرف تکرار عین همان حرفی نیست که در میدان هوایی بگرام حفیظ الله امین گفته بود که به ١۶ میلیون افغان ضرورت ندارم به یک میلون مارکسیست ضرورت دارم بس، دیگران باید همه نابود شوند امروز کسانی که سربلندی افغانستان و افتخارات تاریخی این ملت و قهرمانان و بزرگ امروز و فردای افغانستان را نمی خواهند با حرف هایی جدید می خواهند مردم را از تاریخ شان واز قهرمانان شان واز حماسه های تاریخی شان واز افتخارات دینی وملی شان دور سازند تا بار دیگر قید و زنجیر دیگری و حاکمیت های خموش دیگری و ظلم و استبداد دیگری را برملت ما حاکم سازند.

برادران عزیز سخت هوشیار باشید، سخت متوجه باشید دوستی با سپهسالار شهید در این نقطه خلاصه نخواهد شد که فوتوی گرامی او را با خود نگه بکنید اما راه وپیام و آرمان او را فراموش بکنید، برادران عزیز من یقین دارم که مطابق به فرمان الهی که خدا می فرماید :

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمن قضي نحبه ومنهم من ینتظر وما بدلوا تبدیلاً

> **شهیدان در پیشگاه خدا ودر وجدان تاریخ وضمیر ملت شان همیشه زنده اند.**

از مومنان کسانی هستند پیمانی را که با خداوند "ج" صادقانه بدان عمل کردند، تعدادی از این مسلمانهای صادق در راه دفاع از دین ورسالت دینی وملی خود جانهای خود را از دست دادند وگروه دیگری در سنگر نشستند هیچ تغییری در راه وآرمان یاران شهیدشان به میان نیاورند(**ومابدلوا تبدیلا**)شما یاران با وفای سپهسالار شهید وسایر شهدای بزرگ کشور هستید شما هرگز اجازه نخواهید داد که نام نامی حماسه تاریخی وآرمان بزرگ ملی ودینی بزرگان شهیدتان فراموش شود.

برادران عزیز سنت الهی این است، اگر ملت ها وانسانها بر خود ظلم نکنند هیچ کس بر آنان ظلم نمی کند، خدا می فرماید:

وماظلمناهم ولکن کانوآنفسهم یظلمون

"ما به ملت هایی که از بین رفته اندهرگز ظلم نکردیم اما خود آنان بودند که برخود ظلم کردند" اگر دیروز در تاریخ کسانی بودندکه به ملت ما ظلم می کردند با برخی از ملت ها عمل ظالمانه می شد از این به بعد اجازه نباید داد نه ازبیرون ونه از داخل کسی برماظلم بکند. بزرگترین ظلم در کشور ما بزرگتر ازاین نخواهد بود که تاریخ معاصر کشور که به خون شهید قهرمان وعزیزمان نوشته شده است فراموش شود.

برادران عزیز شاید امروز به ارتباط شما و جهاد تان حرفهایی بوده باشد، کسانی باشند که به ریش وپکول برادر وکارنامه های یارهم سنگر شما بخندند اما اجازه ندهید، باید به همه دوست ودشمن نشان بدهید که شما در سنگرحضور دارید وشما وارث حقیقی این شهیدان هستید وشما بودید که دوبار از دو دستگاه تهاجم ووحشت این کشور را نجات دادید یک بار در دوران جهاد از اتحاد شوروی آن را آزاد کردید ودوباره در دوران مقاومت از تروریزم، شما وارث حقیقی وپاسدار واقعی در این کشور هستید هیچ کس حق ندارد که جهاد ومقاومت را ازصحنه ملی و تاریخی کشور حذف بکند شاید کسانی باشند که بگویند دنیای نو و زند گی نو و خواسته های بین المللی حاکم شده است دیگر دوران جهاد ومقاومت قهرمانان ملی گذشت اما این حرف ها جزحرف های هرزه و بیهوده چیزی دیگری نیست دنیای امروز را باید خوب بشناسیم ما هیچ مشکلی با دنیا نداریم هیچ مشکلی با کشورهای بزرگ نداریم. اسلام که دین ما و راه ملت ماست ومسلمانان واقعی هیچ مشکلی با دنیا وجهان متمدن ندارند وجهان متمدن هم مشکلی با دین وبا متدینان واقعی ندارد گذشته را دور می گذاریم راجع به خود مان به جبهه جهاد ومقاومت سازمان اسلامی خودمان جمعیت اسلامی افغانستان سخن می گوییم که به عنوان یکی ازسازمانهای عمده و جهادی در صحنه مطرح بود، یکی از پالیسی های روشن سازمان ما این بود که ما با تمام دنیا واز جمله با یکی از قدرت های بزرگ جهان متمدن ایالات متحده امریکا و با کشور های اروپا روابط بسیار تنگاتنگی داشته باشیم، بوش رئیس جمهور امریکا خود نمونه یی از این حقیقت است شما شاید از طریق رادیو ها شنیده یا در اخبار هاخوانده اید یکی از شیوه های کنونی رئیس جمهور امریکا

> **مسلمانان واقعی هیچ مشکلی با دنیا وجهان تمدن ندارد وجهان متمدن هم مشکلی با دین و بامتدینان واقعی ندارد**

در تصمیم های بین المللی این است که می گوید : من به انجیل قسم خوردم تا علیه دستگاه های دکتاتوری باشید به قدرت مبارزه کنم ومن از طرف خدا این وظیفه را دارم تا علیه این دستگاه ها مبارزه کنم. وزیرعدلیه اوآقای "اشکرف" درداخل وزارت خانه خود به شیوهء دین مسیحی نماز می خواند.

اما برخی از افراد در میان ما وشما از نماز خواندن در داخل دفاتر خود در یک کشوراسلامی احساس تنگ می کنند و بعضی ها گمان می برند که هر قدر از جهاد دور شویم به همان اندازه مورد پذیرش جامعه جهانی قرار می گیریم، اینان انسان های بسیار بی شخصیتی هستند، نمی دانند که جامعهء جهانی انسان هایی را می خواهد که آنان نخست به درد ملت خودشان بخورند، جامعهء جهانی به کسانی که ملت شان آنان را از خود می راند ارزشی قایل نیست.

به هر حال باید اینان بدانند که افتخارات جهاد و تدین ورزیدن و مسلمان بودن نه عار است و نه تضادی با تمدن دارد. آنانی که با تمدن دشمنی می ورزند اصلاً به گونهء درست متدین نیستند.

جنبشی که در اروپا بر ضد مسیحیت به وجود آمد در اساس جنبشی بر ضد دین عیسی علیه السلام ومسیحیت حقیقی نبود، آن حرکت به ضد کسانی بود که می خواستند دین مسیحی را وسیله یی برای سود جویی خویش بسازند و آنان خود به دین مسیحی ارزش و اهتمامی قایل نبودند.

به هر حال در شرایط کنونی ما و شما و همهء ملت مجاهد باید متوجه این حقیقت باشیم که ما به ثبات سیاسی و امنیت سرتاسری نیاز داریم وباید کشورمان وارد مرحله یی جدید از توسعهء اقتصادی شود و ویرانی های جنگ همه از میان برود، این مسوولیت ها را چه کسانی خوبتر می توانندانجام بدهند و چه کسانی خواهان ثبات سیاسی و رشد اقتصادی و بازسازی وشگوفایی در کشور هستند؟ آنان کسانی خواهند بود که دارای انگیزه و ایمان و هویت باشند و در راه استقلال و آزادی وطن رنج کشیده باشند، آنان کیانند؟ آنان شما ها هستید، شما فرماندهان عزیز و مجاهدان عزیز و شما ملت با صلابت و ایمان هستید که در دوران جهاد و هجرت کوه به کوه ودره به دره در دفاع از دین و وطن و مردم هزاران رنج و مشقت را به جان خریدید. فرزندان تان شهید و پدران تان معلول و معیوب شدند و خانه های تان ویران شد، آواره و مهاجر گردیدید اما سنگر دفاع از دین و استقلال و حاکمیت ملی را هرگز ترک نکردید. شما برای بازسازی کشور و تأمین امنیت و آوردن ثبات آماده هر نوع فداکاری و تلاش هستید که سزاوار یک ملت زنده است.

اما کسانی که می خواهند ثبات سیاسی و امنیت کشور از میان برود آنان مزدور و وابسته به دیگران هستند، عناصر مزدور کسانی هستند که به دین ملت ما متدین نیستند و به فرهنگ و تاریخ ملت ما احترام ندارند. آنان در خدمت دشمنان وطن هستند و در کشور بد امنی و بی ثباتی را بار می آورند. ولی فرزندان صادق و اخلاص مند کشور کسانی هستند که دیروز برای کسب آزادی کشور و مبارزه بر ضد توطئه های دشمنان آمادهء هر نوع فداکاری بودند، امروز به خاطر آوردن ثبات سیاسی و تأمین امنیت از هر نوع قربانی دریغ نمی ورزند.

ص ۵

حماسه چیست وشعر حماسی کدام است؟

قسمت سوم

امید هروی

انواع حماسه :

حماسه را به اعتبار قدامت وموضوع تقسیم بندی کرده اند وما هر یک را به صورت جدا گانه بررسی می کنیم :

انواع حماسه بر حسب موضوع

۱-حماسه اساطیری :

این گونه حماسه به دوره های بسیار کهن برمی گردد وحتی سرنخ آن به دوره ماقبل تاریخ می رسد.

درمیان همه انواع حماسه به این نوع حماسه ارج بیشتر گذاشته می شود، زیرا آن را قدیمی، اصیل می دانند،

آنچه محقق است این است که حماسه اساطیری بر مبنای اساطیر ملل مختلف دنیا شکل گرفته است .

از حماسه های مشهور نوع اساطیری حماسه کیل مش سومری، بخش اول شاهنامه فردوسی وقسمتی از ایلیادواوءیته یونانی ورامایانا ومها بها راتا هندی را می توان نام برد .

۲- حماسه پهلوانی:

دراین نوع حماسه از زندگی پهلونان نامدار ملتها در گذشته سخن رفته است .

در این نوع حماسه پهلوانان از رادمردی وبرتری نیرویی اخلاقی وشهامت برخوردار بوده و این پهلوانان در همه حالت های زندگی در کنار مردم خود بوده ودر راه دفاع از حق آنها مبارزه می کنند .

زندگی پهلوانان گاهی جنبه اساطیری می یابد وحتی ممکن است با تاریخ ممزوج گردد.

در شاهنامه فردوسی زندگی رستم جهان پهلوان یک حماسه است که سراسر زندگی اش در داد وعدالت ودفاع از میهن وسرزمین اش سپری گردیده است.

در حماسه پهلوانانی، پهلوان میبوسته مردانگی و ننگ را ارج می گذارد وحاضر نیست به هیچ قیمتی از نام وننگ بگذرد.

رستم پهلوان نامدار شاهنامه در مصاف با دیو سپید، حاضر نیست اورا در خواب بکشد آن را برای خود یک ننگ می دانند .

هنگامیکه در مقابله با اسفندیار قرار می گیرد تاکید می کند تا از جنگ با او منصرف شود. او سفارش اسفندیار را به خاطر رفتن نزد گشتا سب می پذیرد ولی به این در خواست اسفندیار پاسخ منفی می دهد که دست بسته نزد گشتا سب برود. رستم بستن دستهایش را برابر به مرگ ونابودی می داند وآن را قبول نمی کند.

۳- حماسه های دینی یا مذهبی:

در این نوع حماسه رجال ونامداران بزرگ دینی چون قهرمانی تبارز می کند و در سراسر حماسه حضور او بی آب وقاب خاصی جلوه گر است .دکتور شمیسا دراین باب می نویسد :"سالمیت درحماسه دینی بر مبنای اصول یکی از مذاهب است".

شمیسا کمیدی الهی دانسته را دراروپا خاوران نامه وخداوند نامه را از این نوع می داند.

وی معتقد است که حماسه های اخلاقی ودینی با هم یکی اند ومی توان آنها را حماسه فلسفی نیز گفت چون در آن مسایل مغلق وپیچیده تفکر بشر چون مسأله مرگ و زندگی و خیر وشر مطرح است.

او به این باور است که حماسه پهلوانی بیشتر درمیان اقوامی دیده می شود که در طول تاریخ برای بسط وگسترش حاکمیت وسلطه خود بااقوام وملیت های دیگر در جنگ وستیز بوده اند. ازاین نوع حماسه بیشتر در آریانای باستان، ایران ویونان می توان یافت .

به اعتقاد وباور دکتر شمیسا حماسه دینی بیشترینه در میان ملیتهایی مطرح است که در همه حال به خود مشغول بوده اند وفعالیت برون مرزی نداشته اند، مانند حماسه های دینی مهریان ، هندیان وچینیان .

ادامه دارد

پرتو نادری

در لحظه های سربی تیر باران

ورقپاره هایی که در باد پریشان می شوند
انبوه کبوتر انی اند
که شرفهء بال عقابی
آسمان پرواز شان را
از طنین مرگ
لبریز کرده است
ورقپاره هایی که در باد پریشان می شوند
انبوه کبوتر انی اند
که از آن سوی دیواربلند سال های دورمی آیند
وبال نفسهای بریدهء مرا
باگریهء سیاهی مقابل می شدم
به عاریت گرفته اند
ورقپاره هایی که در باد پریشان می شوند
انفجار هستی یک خشم است
شاید خطابهء بربادی آزادیست
که پیشوایان دموکراسی خونین
در سرزمین من
درعراق
در فلسطین
ازگلو گاه تانک فریاد می زنند

☆☆

ورقپاره هایی که در باد پریشان می شوند
استقامت زند گیست
در برابر مرگ
التماس در یوزه گرپیریست
که ره به گوش رهگذاری نمی برد
شاید آیینه پیست
که تاریخ حقیقت خودرا در آن تماشا می کند
شاید
آخرین رویای دختر فلسطین است
در لحظه های سربی تیر باران

اپریل 2002

شهر پشاور

غنچه افتخار

عبدالغفور آرزو

باد صبا سبوکشان، غنچه دهد بهار را — عطر طراوت چمن، مست کند خمار را
در خم گل فگنده شب، باده شبنم آفرین — مستی شب شکن دهدپرتو نیزه دار را
چله بپای گل کشد، نغمه تراز سوز دل — شور شکوفه پرورد، شعلهٔ شاهکار را
خرقه زسبزه؟سبحه گل؟یک دوگل عاریت دهند — دیده گشا به دیده کش، تحفه روزگار را
جام به جام دل زند، ساقی بزم بیخودی — غسل صفا دهد به می، خاطر شب عذار را
وجد وسماع و های وهو، نعره زنم گلوگلو — باده کشم سبو سبو، پیشه کنم سهار را
برسرخم چوخم زنم،دم به سپیده دم زنم — تا سحر آشنا کنم ، فکرت شام تار را
دیروحرم حرام دل،گشته به فتوی صفا — دل به رضای او نهد، جبهه شرمسار را
در همه جا جمال او، جلوه زند به چشم دل — با صمد و صنم چکار، عاشق بیقرار را
در دل هر دقیقه ای، خفته حدیقه وصال — دور فگن ، فگن به دور، خرقه انتظار را
در مه مهر، مهر و مه ، گل به سر سخن زند — گلبن نور پرورد، غنچهٔ افتخار را

یتیم

زکوخیل

ببر سر خیري کریوان و
سپیره مخ له خاورو ډك و
لوخي پښي به کرځیدلو
په ورو ورو دواړ پرغاړه
په کتوکتو به تیر شو
له ډوډ یو له میوونه
نه یي سوال چاته کولو
نه یي غږ له خولي را ووت
پر نظر دخوارو سترکو
یو پیغام دوړي نس و
غوښنه نه وه پر بدن یي
هر هډويي تش خرمن وه
تا به وي، چي را جګ شوي
چیرته مړي له مړیستون دي
په ورو ورو چي ورته ووي
دچا زوي چیرته اوسي؟
په سپیرو شونډو موسکي شو
له غمجن زړکي یي پورته
شول آهونه شنه آسمان ته
بیا هسي په ورو ووي
مورمي نشته، پلار مي نشته
ځاي مي نشته، کورمي نشته
یم پیدا یتیم له موره
له ازله یم بي کوره!

خوست، ۷۶/۴/۱۰

جلوه بهار

افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن — مقدمش یارب مبارک باد بر سرو وسمن
خوش بجای خویشتن بود این نشست خسروی — تا نشیند هرکسی اکنون بجای خویشتن
خاتم جم را بشارت ده به حسن خاتمت — کاسم اعظم کرد ازو کوتاه دست اهرمن
تا ابد معمور باد این خانه کز خاک درش — هر نفس با بوی رحمن می وزد باد یمن
شوکت پور پشنگ و تیغ عالمگیر او — در همه شهنامه ها شد داستان انجمن
خنگ چوگانی چرخت رام شد در زیر زین — شهسوارا چون به میدان آمدی گوئی بزن
جویبار ملک را آب روان شمشیر تست — تو درخت عدل بنشان بیخ بد خواهان بکن
بعد ازین نشگفت اگر با نکهت خلق خوشت — خیزد از صحرای ایذج نافهء مشک ختن
گوشه گیران انتظار جلوه خوش می کنند — بر شکن طرف کلاه وبرقع از رخ برفگن
مشورت با عقل کردم گفت حافظ می بنوش — ساقیا می ده به قول مستشا موتمن
ای صبا برساقی بزم اتابک عرضه دار — تا از آن جام زر افشان جرعه ای بخشد بمن

پیوسته به گذشته

موضع مسلمانان در برابر جهانی شدن

پوهنمل عنایت الله شاداب

موضعگیری مسلمانان در برابر پدیده جهانی شدن- طوریکه شایسته آنان باشد- امری است در خور تأمل ودقت. به همین ملحوظ لازم می دانیم تا قبل از بررسی آن اشاره گذرایی به تعریف جهانی شدن که تمثیل ازهمه تعریف ها باشد، داشته باشد.

جهانــی شــدن طوریکــه در بخــش هــای قبلــی هــم بــه آن اشــاره رفــت، رویکــرد وفراخوانــی اســت از همــه ملــت هــا تــا زندگــی خویــش را بــا ارزش هــا وروش هــای غربــی ودر درجــه نخســت امریکایــی عــیار وهماهــنگ ســازند.- چــه از طــریق تشــویق وترغیــب وچــه از طریق تخویف وارعاب.

یقیــناً موضــع مســلمانان در برابــر جهانــی شــدن در عرصــه بیــنش هــا، ارزش هــا ونظــام هــا چــه اروپایــی باشــند وچــه امریکایــی، موضــعی اســت جــدا از همــه آن هــا. لازم بــه یــاد آوری است که جهــت گــیری هــا واســتراتیژی هــای جهانــی شــدن- ولــو کــه تغیــیر هم کرده باشــد- چــیزی تــازه ای نبوده ومارکسیزم ولبرالــیزم هــم کــه نخــبه هــای فرهیخته وعصــری در جهــان اســلام را در چهــار چــوب هــای غــرب گرایــی، نوگرایــی واخــیراً جهانــی شــدن، بــر محــور خــود چرخانــید، آیــا پخــش واشــاعه همــان مفاهــیم وارزش هــای غربــی بــه حســاب نمی رفت؟

آری! بــا بــه نمــایش گذاشتن آنچه در پــیش گفــته آمــد، پرســش اساســی وبنــیادی ایــن اســت کــه چــه گونــه بــرخوردی در برابــر پدیــده جهانــی شــدن را بــاید برگــزید وچــه گــام هــای را دراین راستا برداشت؟

برخــی هــا بــه ایــن بــاورند کــه رغبت وتمــایل بــه بررســی اصــول، ضــابطه هــا درجهــت جلوگــیری از لجــام گســیختگی هــای جهانــی شــدن، جــز اینــکه تــلاش درراه تــدارک مرهمــی فــاقد ســود بــرای زخمــی ریشــه دار ووســیع باشــد، چــیز دیگــری نخواهــد بــود، بهتریــن سیاســت در ایــن راســتا همانــا گذاشتن میدان برای عفونــت خــیز شــدن اوضــاع در بــالا تریــن حــد آن اســت، وهمــان گفــته را تکرار می کنــند «بگــذارش کــه فــایده نــدارد» بدون شــک گزیــنش چنیــن یــک موضــعی در ماهیــت خــود، بــیان آن اســت کــه تسلیم قصابی شویم تا ماراگردن زند.

موقــف مســلمانان در برابــر جهانــی شــدن، نــباید موقفــی باشــد تماشــاگرانه،آنان بــاید در رویــا روئــی بــا پهلــو هــای ســلبی ایــن پدیــده موضــع علمــی اتخــاذ نمایــند وکــار به جای برسد کــه جــز گــریه واشــک ریــزی کــاری از دست شان نه براید.

مســلمانان بــاید در برابــر آن گــام هــای هشــیارانه وآگاهانــه برداشــته واســـتراتیژی خویـــش را دربرابـــر پدیدارهــای آن تــبدیل نمایــند تا بتوانند در ایــن دنــیای رو بــه جهانــی شــدن، زندگی نمایند.

چلــنج هــای جهانــی شــدن، چلــنج هــای اســت بــس بــزرگ وگوناگون ولی یقیــناً مســلمانان از توانائــیها وامکانــات زیــادی بــرخوردارند کــه بــه آن هــا توانایــی مــی بخشــد کــه در برابــر آن ایستادگی نمایند.

مســلمانان نــیاز دارنــد کــه از خطــر هــای آن آگــاه شــوند وسیاســت هــاو تــلاش هــای خویــش را در ایــن راســتا هماهــنگ ســازند ودر فکــر کــاری بــرای آینده خویش باشند.

خطــاب خداوتــد بــه مسلمانان هم که در آیــه «واعــدوا لهــم مااســتطعتم مــن قــوه...» چهــره نمایــی مــی کــند الهــام بخــش طــرزدید ونــا امــیدی در مــنظور فکری اسلام محل اعرابی ندارد.

آری! چــنان نیســت کــه جهانــی شدن قضــا وقــدری باشــد کــه رهایــی از آن متصور نباشد.

بنا به نوشته روزنامه«الحیاه» در ٢٧ دسامبر١٩٩٩ به نقل ازیک روزنامه اروپایی بعد از همایش برگزار شده از طرف سازمان تجارت جهانی، درسطح وزیران در شهر سیاتل امریکایی مضمونی جلب توجه می کند به این عبارت:« دولت های صنعتی سرمایه دار، اصرار دارند، به کشورهای جهان سوم چنان وانمود سازند که جهانی شدن قضا وقدری گریز ناپذیر است،مشکل دیگر اینکه ماهم این مقوله را پذیرفتیم وتصرفات خویش را در چوکات آن انجام دادیم، اکنون بر ماست تا سر از نو به این فکر شویم که جهانی شدن قضا وقدری نیست که نتوان دربرابرآن ایستادگی کرد...»

ملت ها می توانند از این مشکل به حیث یک فرصت برون رفت استفاده نمایند، رابرت چامبرز می گوید:«انسان آفریده شرایط نبوده بلکه شرایط وظروف ساخته دست فرزندان آدمی است.

یکــی از ســنت هــای خداونــدی در زندگــی اجتماعــی ایــن اســت ارزش ملت هــا در داده هــا وزایــش هــای فکری آنان نهفــته بــوده وآنگــاه کــه از ایــن ویژگــی خلــع یــد شــوند، دســت تگــدی بــه سوی دیگــران دراز کــرده وریــزه خــواران آنــان مــی شــوند. یکــی از نظــریه پــردازان جهــان اســلام مــی گویــد: « ملتی که در هماهنگــی بــا فرهــنگ خــود مــنظومه فکــری مــورد اعــتمادش را نمــی ســازد تا از حیثیــت بــالای بــرخوردار شــود ملتــی اســت فــاقد شــناخت از سرشــت وماهیــت خود وناتوان از ترسیم راه خویش»

بلی در چنین حالت های است که ملت ها راه نابودی وفنای خود را مرحله به مرحله طی می کنند.

درمــرحله نخســت بــه گرفتــن کالاهــای صــنعتی پرداخــته ودر مــرحله دوم بــه تقلــید از عــرف وعــادت در پوشاک وخوراک می پردازند.

مــرحله ســوم مــرحله اخــذ ارزش هــا بیــنش هــا ومعــیارهای اجتماعی واخلاقی ومجهــز شــدن بــا آن هــا است. استوار بر همیــن ملاحظــات اســت کــه ملــت های آگــاه تــنها بــه جوشــید داده هــای دیگران بســنده نکــرده وموضــعی را برمــی گزیــند مبتنــی بــر داد وســتد تجــارب وابــتکارات ،ابداعــات . بیــنش هــا ،ارزش هــا وهویت تمدنــی خویــش را از طــریق همیــن داد وســتدها متمــیز وبــرازنده مــی سازد. بنا به آنچــه گفــته آمــد مــی توان یکی از دلایل ناکامــی تجــدد گرایــی در محــیط هــای اســلامی را همیــن کاپــی کــردن هــا وتقلــید از افکــار ونظــریات ســاخته وپرداخــته دنــیای غــرب، تشکیل می دهد چــه افکــار وآرای مهمــی چــون جهانــی شــدن باشــد کــه اکــنون مشــغول تشریح وماهیــت وســاحه کــار بــرد آن در جهــت تأمیــن اهدافــش مــی باشــد وچــه زمــزمه افکــار ومفاهمــی باشــد کــه هــر نظــریه پــردازی مطــابق بیــنش ویــژه خــود کــه خود آن را شیرازه بندی کرده است.

تجدیــد گرایــی در دنیایــی اســلام هــر گــز تــوان آن را نداشــته اســت کــه برنامه ایــنده خــود را برطــبق نیازمــندی هــای ملــت وجامعــه خویــش در هماهنگــی بــا باورهــای ملــی خــود مــورد ارزیابــی قــرار دهــد ونــیز فــاقد آن بــوده اســت که طرح ابــتکاری ونقــد گــرایانه ای را از بــرنامه های غربی ، برنامه ریزی نماید.

ادامه دارد

وفاداری با سپهسالار شهید درادامه راه اووحفظ...

نمونه های فراوان از قربانی ها وجود دارد به گونهء مثال می توانیم به نمونه های آن در دوران زندگی انجنیر احمد شاه مسعود اشارت کنیم: روزهای نخست پیروزی و روزهای پس ازپیروزی را به شما یاد می آوردم که کشمکش هایی حساب شده در آن ها صورت می گرفت.

روز هایی که کابل در آستانهء سقوط قرار گرفته بود، حکمتیار تصمیم داشت که بر کابل حمله کند، ما همه مان در پشاور بودیم، انجنیر احمد شاه مسعود شهید پیام فرستاد که به انجنیر حکمتیار بگویند چرا بالای کابل حمله می کند، ما و کسانی که فاتحان کشور هستیم هیچ چیزی نمی خواهیم. شما بیایید، حکومت و وزارت و کابینه و همه چیز از آن شما باشد. ولی امنیت شهر کابل را بر هم نزنید. نیروهای مسلح از هر طرف وارد شهر کابل نشوند زیرا این کار باعث کشمکش و ویرانی می گردد او مجدانه التماس می کرد من با او تلفنی صحبت کردم، خواست با گلبدین حکمتیار شخصاً گپ بزند، با او طولانی صحبت کردم، او می گفت:

ای فلانی، حکمتیار چه می خواهد، حکومت را که به شما سپردیم و من خودم هیچ چیز نمی خواهم اما آرزو دارم به کسانی که تا هنوز منظم نیستند اجازه ندهید وارد کابل شوند، دست هایی ناپاک در داخل کشور وجود دارد، اگر مجاهدان به گونه نا منظم داخل کابل شوند ممکن است در میان آنان کشمکش هایی به وجود بیاید و دشمنان از آن ها استفاده برند.

باز زمانی که طی یک برنامه بیرونی آشوب گری های حکمتیار در کابل ادامه پیدا کرد و کابل را راکت زد و باعث بدنامی مجاهدان شد، باری دیگر جلسه یی داشتیم در جلال آباد، حاجی عبدالقدیر در آن وقت والی و مسوول مشرقی بود، آن جا رفتم تا برای حکمتیار بگویم کابل را برای چه راکت می زنی، بهتر است به داخل کابل بیایی. از شرطهای ناروای او این بود که باید انجنیر احمد شاه مسعود وزیر دفاع نباشد، من به هیچ شکل این شرط او را نپذیرفتم، ولی انجنیر شهید از کابل به گونه مسلسل برایم تلفن می کرد که برای خدا خواهش می کنم گپ او را بپذیر، گفتم این ظلم است و قطعاً درست نیست، اگر این را بپذیرم نتیجه یی بسیار بد خواهد داشت، او با اصرار می گفت که استاد به هر وسیله یی که می شود بپذیر، وقتی اصرار او را دیدم، گفتم وقتی او بر این کار اصرار دارد من فرمان او را به عنوان معاون رئیس جمهور در امور امنیت و دفاع اعلان می کنم.

این گذشت دیگری این برادر بود و همین گونه در راه دفاع از وطن وعزت و سربلندی وطن مان قربانی های مختلفی را قبول کرد. بعد از پیروزی مجاهدین گذشتی که از خود نشان داد نمونه دیگری است از اخلاص و صداقت جبهه جهاد و مقاومت. اما این که در کشور ویرانی هایی به میان آمد و شهر زیبای کابل ویران شد نتیجه توطئه هایی بود که عملی گردید. متاسفانه کسانی که می خواهند تاریخ را مسخ کنند، کسانی هستند که نمی خواهند حماسه های تاریخی مان به عنوان یک حقیقت جاویدان در تاریخ افغانستان ثبت گردد. تمام جنایت هایی که توسط دستگاه های مختلف به میان آمد می خواستند علیه مجاهدین از آن استفاده بکنند. ما اگر در دوران جهاد در برابر دشمن قرار نمی گرفتیم ودر دوران مقاومت علیه جهل و تروریزم مقاومت نمی کردیم، آیا، اکنون افغانستان آزادی می داشتیم؟ ما در جهاد و در مقاومت بر حق بودیم و کسانی دیگری به دستور دشمنان خارجی افغانستان دست به ویرانی و نابودی کشور مان زدند و می خواستند همه چیز را نابود کنند. افتخارات تاریخی و فرهنگ ملی و ارزش های دینی مان را از بین ببرند، اما جبهه جهاد و مقاومت در سنگر دفاع از مردم از تاریخ وفرهنگ افغانستان از خود ثبات و استقامت نشان داد. البته دراین دوران ما نمی توانستیم که جلو راکت های آنها را بگیریم. اگر برای آنها مجال داده می شد همه چیز را از بین می بردند. در طول تاریخ می بینیم که حرکت های آزادی خواه ملت ها و کشور های متمدن که از انسانیت دفاع می کنند آنها هم مجبور می شوند در بعضی مراحل از سلاح کار بگیرند حتی شهرهایی را با سلاح های سنگین به آتش می کشانند. جبهه جهاد و مقاومت هیچ شهری را ویران نکرد، بلکه کسانی دیگری بودند که شهرها را ویران کردند. امروز یک مشت عناصر بی سلیقه و کسانی که یک روزی هم به فکر ملت خود و به فکر تاریخ افغانستان نبودند امروزوعلیه تاریخ وعلیه جهاد و علیه مجاهدین قرار دارند که همه باید متوجه این حقیقت باشیم. دیروز کسانی بودند که تحت نام های مختلف برای تخریب این کشور کار می کردند و امروز افرادی دیگری است تحت نام و عنوان دیگری مشکلات ایجاد می کنند. جبهه جهاد و مقاومت دیروز، امروز و فردا طرف دار وحدت ملی، طرف دار دعوت همه مردم مومن و متخصص وافراد چیز فهمی است که در کشور های مختلف دنیا به سر می برند. در اولین روزهایی که دولت جهادی در کابل اعلان شد به افغان ها و دانشمندان و متخصصینی که در بیرون از کشور بودند پیام فرستاده شد و از آنها دعوت به عمل آمد که بیایند در پهلوی برادران مجاهد که این کشور را از چنگال دشمنان آزاد ساخته وفعالیت کنند.

حمله امریکا بر...

یکی از تاثیرات منفی این جنگ در سراسر کشور های اسلامی اوجگیری فعالیت های تخریبی وتروریستی خواهد بود و مفکوره های تندرو مجال تبارز و میدان عمل بیشتر خواهند یافت. این تاثیر بر افغانستان بیش از هر کشور دیگری در خور اندیشه ونگرانی است. زیرا با وجود تلاش های نیروهای بین المللی به هبری امریکا در افغانستان هنوز هم در سلسلهء فعالیت های تخریبی و تروریستی به خصوص در مناطق هم مرز با پاکستان از میان نرفته است. دلیل عمدهٔ این مشکل وجود پناه گاه های مطمین برای چنین عناصر در خاک پاکستان است که این عامل میتواند در تداوم بی ثباتی در افغانستان نقش داشته باشد و بی ثباتی نیز به نوبه خود بر روند کمک های بین المللی به بازسازی افغانستان تاثیر منفی خواهد داشت.

کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان همچنان به عنوان یک مشکل در سطح جهانی مطرح است. اگر جامعه جهانی برای رفع این مشکل به افغانستان کمک نکند و دهقانان افغانستان از روی ناچاری همچنان به کشت این مادهٔ خطرناک ادامه دهند، بر روابط افغانستان با تمام کشور های اروپائی صدمه خواهد زد.

از آنجا که بخش بزرگی از مواد مخدر تولید شده در افغانستان به بازار های اروپا عرضه می شود، تداوم این وضع اروپا را نسبت به سیاست های امریکا در جلوگیری از تولید مواد مخدر در افغانستان بدبین خواهد ساخت و این خود می تواند در کاهش کمک های بین المللی به خصوص کمک های جامعهء اروپا به افغانستان تاثیر منفی داشته باشد.

لازم است که دولت انتقالی اسلامی افغانستان برای مقابله با این تاثیرات منفی احتمالی پیشبینی های لازم را بع عمل آورد، ما نباید فقط به این دلخوش باشیم که کشورهای مختلف وعده کمک های مالی به افغانستان نموده اند زیرا از قول تا عمل فاصله بسیار است. به درپیش گرفتن یک دیپلوماسی فعال از همین اکنون نیاز احساس می شودتا این تاثیرات منفی رابه حد اقل کاهش بخشد.

نکاتی در بارهٔ برنامهٔ بازسازی وتوسعهٔ شهر کابل

دکتر فریار کهزاد –کانادا

مقدمه

شهر کابل پایتخت افغانستان یکی از شهر های کهن وباستانی شرق است که قدامت تاریخی آن تا زمانه های کوشانی ها در حوالی قرن اول مسیحی می رسد. دیوارهای مارپیچ کابل بالای کوه های آسه ماهی وشیر دروازه یادگار کارها وفعالیت های مهندسی، معماری وانجنیری زمان یفتلی ها ست که بعد از رتبیل شاهان در اینجا حکمروایی داشتند. دیوارهای مارپیچ کوه های کابل شهکار مهندسی وانجنیری است که بیننده را به حیرت ومهندس وانجنیر را به حسرت می اندازد. این شهر ودیار در روزگار باستان به نام های کابورا، کارورا، کوبها، کوپن، کاه پل، کابلستان وغیره یاد شد. که هر کدام نمایندگی از اهمیت این منطقه نموده وکابل را منحیث یکی از مراکز مهم راه کاروان رو قدیم به هند، چین وغرب نشان می دهد. سلاطین وامرای قدرت مند بارها از مجرای رود خانه کابل به هند زرخیز هجوم برده ودر حقیقت کابل را منحیث دروازه فتح هند محسوب نموده اند. اهمیت سوق الجیشی این منطقه در کتب تاریخ مکرر ذکر شده است.

کابل وکابلستان همچنان زینت اشعار شعرا واثار ادبی نویسندگان بی شماری است که صفحات زرین آثار باستانی ما را پر نموده است. شاهنامه فروسی یکی از این آثار سترگ می باشد که از کابل وپهلوانان آن وحماسه هایی که دراین سرزمین آفریده شده باافتخار وبه صورت مکرر یاد آوری می کند.

درسه دهه اخیر کابل زیبا مورد تجاوزات بیشرم بیگانه وفرزندان ناخلف خود این مرز وبوم قرار گرفت که اینک یک فیصدی زیاد شهر وحومه آن به ویرانه تبدیل شده است. امید است دولت انتقالی فعلی وبعداً رژیم های منتخب آینده با همکاری مهندسین، انجنیران، اهل خبره ومردم فرزانهٔ کابل نه تنها ویرانه ها را ترمیم نمایند بلکه چنان پلانی را طرح ریزی نمایند که از هر نقطه نظر از یک شهر عصری با فرهنگ اصیل آن نمایندگی کند واین شهر باستانی را دوباره به(گل زمین) که لقب تاریخی آن می باشد، تبدیل نماید.

اینجانب منحیث یک نفر انجنیر واهل این شهر اینک نکاتی را پیشنهاد ویاد آوری می نمایم تا در پلان شهری مد نظر گرفته وازآن استفاده نمایند. یقین دارم که مهندسین وانجنیران عزیز دیگر پیشنهادات ونظریات بهتر وکاملتری دارند که ارایه خواهند کرد وازطرف مقامات دولتی مد نظر گرفته خواهند شد.

کنفرانس:

آینده شهر کابل– کنفرانس بین المللی درموردبازسازی شهر ویرانه کابل– عنوان بالا عنوان کنفرانسی است که از ٢١ تا ٢٤ سپتامبر٢٠٠٢ در لیسه استقلال در شهر کابل دایر شده بود.

متاسفانه اطلاع دقیقی در مورد این کنفرانس ندارم که از طرف کدام موسسه ترتیب شده است. به هر حال آنرا اقدام نیک می دانم . تنها چیزی که در عنوان بالا یک اندازه قابل تحمل است اصطلاح(بین المللی) است که نمی دانم منظور ازآن چیست؟ آیا اشتراک موسسات وکمپنی های خارجی معنی می دهد ویا اشتراک افغانها از کشور های مختلف جهان؟ اگر منظور اشتراک افغانها از کشور های مختلف جهان می باشد کار خوبی است ولی اگر منظور اشتراک کمپنی های خارجی باشد تا حدی زود به نظر می رسد. بهتر خواهد بود اگر افغانها ومخصوصا اهل کابل در مورد شهر کابل با هم می نشستند ومسایلی را که از هر نقطه نظر برای شان روشن است مورد بحث قرار می دادند وبه نتیجه می رسیدند . بعداً در قسمت تطبیق آن از کمپنی های خارجی نیز به شکل مناسب آن استفاده می نمودند.

متأسفانه این کنفرانس طوریکه باید به اطلاع همه ومخصوصاً انجنیران ومهندسین می رسید، نرسیده است وبه این ترتیب یک تعداد زیاد علاقمندان شهر کابل ازاین کنفراس بی اطلاع بودند ویا به حدی ناوقت اطلاع حاصل نمودند که به هیچ صورت سهم گرفته نمی توانستند. من از دایر شدن این کنفرانس تیلفونی توسط یکی از دوستان عزیز از کانادا صرف ده روز قبل از موعد ثبت نام آن اطلاع پیدا کردم به هیچ صورت وقت کافی برای انجام هیچ کاری نبود. معمولاً کنفرانس های(بین المللی) چندین ماه قبل اعلان می گردد.

رول کمپنی های خارجی در بازسازی وپلان های آینده افغانستان:

گرچه موضوع اصلی در اینجا پلان شهر کابل می باشد ولی بهر حال سهم گرفتن کمپنی های خارجی در پروژه های دیگر افغانستان نیز ملزم به



بررسی می باشد.

خارجی ها وکمپنی های خارجی معلومات دقیقی در مورد افغانستان ندارند وهدف عمده آنها علاقمندی شان به مسایل اقتصادی می باشد. آنها به بازسازی وپیشرفت افغانستان مثلیکه ما افغانها فکر می کنیم، فکر نمی کنند وعلاوه برآن از فرهنگ مردم افغانستان اطلاع دقیقی ندارند.آنها از اوضاع اقلیمی، جغرافیایی، توپوگرافی،مواد ساختمانی، آب ومنابع آن ومسایل دینی، فرهنگی وعنعنوی ما که نزد خود ما آشنا وعزیز می باشد، اطلاعی ندارند وبعضاً حتی در جهت مخالف آن حرکت می نمایند ویا پروژه های را طوری طرح ریزی می نمایند که تا ابد باید به آنها وابسته باشیم. قویاً پیشنهاد می گردد تا پلان شهر کابل ودیگر پروژه های افغانستان قسمی طرح ریزی گردد که اول متخصصین افغانستان در آن حق داشته باشند، درصورت عدم وجود متخصصین افغانی از کمپنی های که با شرکت های افغانستان تشبثات مشترک(Joint Venture) تشکیل داده اند. استفاده گردد. دراین راستا باید قوانینی ازطرف دولت طرح گردد که کمپنی های خارجی را به صورت آزاد اجازه فعالیت ندهد بلکه آنها را مجبور سازند تا با شرکت های افغانستان تشبثات مشترک تشکیل داده وبعداً داخل فعالیت گردند. این کار از یک طرف مانع برآمدن حد اقل پنجاه فیصد مفاد پولی وتجربه های به دست آمده از پروژه های افغانستان خواهد شد. درگذشته پروژه های زیادی از طرف کشورهای مختلف تمویل شده که همه امور فنی واقتصادی آنها توسط کمپنی های خود شان پیش برده شده وبه مجرد تمام شدن پروژه ها هم مفاد وهم تجارب علمی آن از افغانستان خارج شده است. طور مثال اعمار تونل سالنگ مدت بیش از بیست سال را در برگرفت ودر نتیجه ما یکنفر انجنیر متخصص در امور انجنیری تونل ها نداریم. نیروگاه های برق آبی سروبی، ماهیپر، نغلو، درونته وغیره همه توسط کمپنی های خارجی دیزاین وکار اعمار آنها پیش برده شد. صدها نفر انجنیر خارجی در هرکدام این پروژه ها تجارب بسیار گران بهایی به دست آوردند ولی درهیچ کدام این پروژه های بزرگ انجنیران افغان تجارب علمی وفنی به دست نیاوردند ومعمولاً افغانها یا به حیث ترجمان کار می کردند ویا صرف مصروف بعضی کارهای اداری بودند. اگر این طور نمی بود ما امروز در هر کدام این رشته ها متخصصین ورزیده می داشتیم. فلهذا به دولت جدید وجوان افغانستان مکررا گوش زد می شود تا دراین مورد توجه جدی به خرچ داده وزمینه را برای پیشرفت علمی وفنی مردم افغانستان مهیا سازد. تجارب کشور لبنان دراین مورد قابل یاد اوری می باشد زیرا آن کشور بعد از جنگ های داخلی که باعث ویرانی شهر بیروت ودیگر قسمت های لبنان شده بود قطعاً به کمپنی های خارجی اجازه فعالیت آزاد نداد بلکه آنها را مجبور ساخت تا با شرکت های لبنانی تشبثات مشترک تشکیل دهند. در نتیجه امروز لبنان دارای موسسات انجنیری مشورتی بی شماری می باشد که در هر زمینه تجارب بسیار خوبی دارند واین شرکت ها به مراتب بهتر به اوضاع لبنان وارد هستند. دراینجا بی مورد نخواهد بود اگر از یک سر گذشت خصوصی یاد آوری نمایم. در سال ١٣٥٤ برای مدت شش ماه از طرف فاکولته انجنیری کابل برای آموزش عملی (Practical Training) با چند محصل دیگر به پروژه شاهراه هرات–سبزک رفته بودیم تا بعضی کارهای انجنیری را از نزدیک مشاهده نموده وتجارب علمی و فنی وعملی به دست آریم. چند بار فعالیت های سرنگ پرانی صورت گرفت واز آنجایکه هیچ انجنیری در آن پروژه حضور نداشت وامور کارهای فنی آن توسط یکنفر تکنیشن که از لیسه عالی کابل فارغ شده بود، پیش برده می شد، سوالاتی که در مورد سرنگ پرانی داشتیم لاجواب ماند. بعداً وقتی به کابل آمدم در جستجوی متخصصی دراین مورد شدم. در دانشکده انجنیری کابل، وزارت فواید عامه و وزارت معادن وصنایع مراجعه نمودم وبالاخره کسی نیافتم که معلومات کافی علمی وفنی در مورد سرنگ پرانی داشته باشد. مجبوراً راهی کتابخانه ها شدم ومسایل را تا حدی از لابلای کتابها حل نمودم. تا آن زمان در حفر تونل ها ومعادن در افغانستان از طریقه های مختلف سرنگ پرانی کار گرفته شده بود ولی افسوس که همه آن کارها توسط خارجی ها پیش برده می شد وانجنیران هموطن ما بی تجربه مانده بودند.

در حقیقت مصارفی که جهت تربیه کادرهای فنی در افغانستان صورت گرفته بود به هدر رفته بودزیرا معمولاً فارغان دانشگاه های داخلی وخارجی به مجرد آغاز کار عملی به مامورین اداری تبدیل می شدند که نه تنها تجربه عملی نمی اموختند بلکه فراورده های دانشگاهی شان نیز در زیر خاکستر مستور می شد. امید است از این به بعد این مسایل مورد توجه جدی قرار گیرد.

نکاتی در مورد پلانگذاری شهری شهر کابل:

من یقین دارم که مهندسین وانجنیران محترمی که مصروف پلان گذاری شهر کابل اند ویا در آینده به این کار مصروف خواهند شد به نکاتی که دراینجا ذکر می گردد قبلاً آشنایی دارند ولی به هر حال شاید دراین سطور بعضی نکاتی باشد که مورد توجه شان قرار گیرد:

١–نفوس: تعیین حدود جمعیتی که در شهر کابل رهایش خواهند کرد باید به صورت دقیق مورد مطالعه قرار گیرد تا از هر نقطه نظر همه امور پلانگذاری شهری مطابق آن پیش برده شود . این موضوع مهمترین قسمت پلانگذاری را تشکیل می دهد زیرا باقی همه امور دیگر مربوط به آن خواهد بود. به هر حال امید است نفوس اعظمی این شهر بیشتر از دو میلیون مد نظر گرفته نشود.

٢–حدود جغرافیایی ومساحت شهر کابل:

از ضروریات مهم یک پلان شهری همه جانبه تعیین حدود مساحت شهر می باشد تا به صورت واضح روشن گردد که مساحت شهر چقدر است وکدام مناطق را در بر می گیرد. بدون تعیین حدود شهر پلانگذاری شهری شکل متغیر خواهد داشت. البته شهر کابل را کوه هایی احاطه نموده که درحقیقت حدود طبیعی آنرا تشکیل می دهد وبدین صورت حدود اعظمی این شهر تا دامنه های این کوه می باشد که اگر منحیث حدود شهر تعیین گردد کار خوبی خواهد بود وبدین صورت پلان شهری تقریباً تمام این حوزه ها را در بر خواهد گرفت که برای کارهای آینده مفید تمام خوهد شد. **ادامه دارد**

علمي خبرني

دلجنو له زيږېدو سره دسگرت اړيکي

دپوهانو يوي نوي څيړني ښودلي ده. هغه پلرونه او ميندي چي له اميدواري مخکي او وروسته موده کي سگرت څکوي دهغوي زاتلونکي ماشوم به احتمالاً لور وي.

د بي.بي.سي. دعلمي برخي درپوټ له مخي:

دنجنو په تناسب دهلکانو نړي ته راتلل دځو وروستيو لسيزو په ترڅ کي لږ شوي دي. ځيني پوهان وايي ښايي دچاپيريال ککړتيا به ددي مسالي لامل وي. په دي باب وروستيو څيړنو ښودلي ده. چي دسگرت څکول کولاي شي دنارينه دسپرم ژونکو (حجرو) ته زيان ورسوي او يا دښځي په رحم کي دنر دنطفي ځاي پرځاي کيدل له منځه يوسي.

دامطالعه چي د "لنسټ" په خپرونه کي خپره شوي ده، په جاپان او دنمارک کي يي د ١١٨٠٠ ماشومانو پيدا کيدل او جنسيت په يوي اوه مياشتني دوره کي ثبت کړي دي.

په دي څيړنه کي له ميندو څخه پوښتل شوي چي ايا هغوي په خپله او يا دهغوي خاوند د اميدواره کيدو په درشل کي (دري مياشتي وړاندي له مياشتي عادت نه بياد اميدواري ترتائيدپوري موده) سگرت څکلي يانه؟



دنجنو په وړاندي دهلکانو دپيدا کيدلو تناسب په دري ډلو کي څيړل شوي و. په لومړي ډله کي هغه سړي او ښځي شاملي وي چي سگرت يي نه څکاوه. دويمي ډلي په ورځ کي ترشلولږ او دريمي ډلي په ورځ کي له شلو زيات سگرت څکول. دغي څيړني وښوده چي دنجنو پر وړاندي دهلکانو دپيدا کيدلو تناسب دمور او پلار په واسطه دسگرت دڅکولو له زياتوالي سره کميږي. په پورتنيو ډلو کي هغوي چي له شلو زيات سگرت يي څکول د دويمي او لومړي ډلي په پرتله يي ډيري نجني نړي ته راوړي وي.

نوري څيړني ښيي چي دجيټ الوتکو پيلوټان هم دډيرو لورګانو خاوندان کيږي. دغه راز داموضوع دهغه لامبو وهونکو په باب چي په اوني کي له شلو ساعتو زياته لامبو وهي هم سمه ده. له دي سره سره څيړني ښيي چي په نړي کي له نجنو څخه هلکان زيات پيدا کيږي. خو دهلکانو په تناسب دنجنو دبقا چانس ډير دي.

راټولونکي: داکتر احمد رشاد

تحولات جنگ عراق

اینک او ضاع در عراق متفاوت از آنچه محاسبه شده بود شکل می گیرد. در این جنگ که امریکا حمایت شورای امنیت سازمان ملل و کشور های اسلامی و اتحادیه عرب و... را ندارد، مشکل خواهد بود، مانند جنگ سال ۱۹۹۰ نتایج دلخواه به دست آورد، چنانچه تظاهرات برضد این جنگ از جاپان تا امریکا در سراسر دنیا همه روزه جریان دارد خصوصاً در کشور های اسلامی این تظاهرات در کنار داشتن جنبه های بشر دوستی ریشه های محکم اخوت دینی را نیز با خود دارد، کشور های غربی (متحدین پیشین امریکا) مانند فرانسه و جرمنی و بلجیم نیز همچون روسیه و چین جداً با این جنگ که هیچ دستاویز مشروع و مجوز نمی توان برایش در یافت، اظهار مخالفت نموده اند. حتی در انگلستان امواج این اختلافات مجلس عوام را به دو پارچگی و استعفای بزرگان آن کشانید.

در این جنگ که اکثر در تظاهرات و تبصره های جهانیان به نام"جنگ برای نفت" شهرت یافته است در کنار این همه مواضع مخالف با امریکای ممثل دموکراسی در جهان که دراین راه حاضر است حتی با استفاده از نیروی نظامی آن را تطبیق نماید، در اذهان جهانیان در مورد ماهیت این د موکراسی که در راستای اهداف سیاسی و اقتصادی خود برهمهء تصاویب و منشورات بین المللی پامی گذارد سوال ایجاد گردیده است.

از این ها گذشته در صحنه های نبرد نیز امریکا در سه روز اول جنگ با تلفات بیشتر از آنچه یک دهه پیش در سو مالی دیده بود مواجه گردید، این چیزی است که ملت امریکا تو قع آن را ندارد، با آن که تنها در شب دوم جنگ سه صد فیر را کت کروز و تو ما هاک را بر اهداف خود در عراق به علاوهء هزاران پرواز از هوا پیما های بمب افگن منجمله طیارات بی ۵۲ وبی ۲ شلیک نمودند. اما دو موضوع یکی عدم اصابت دقیق راکت ها و بمب های رهبری شونده بر اهداف نظامی و بلند رفتن میزان تلفات افراد غیر نظامی از جمله اطفال و زنان که در گزارشاهای خبر گزاری ها تصاویر شان پخش گردیده است و دیگری مقاومت نظامیان حامی حکومت عراق حکایت گر به درازا کشیدن فاجعه آمیز این جنگ منی باشد.

روز دوشنبه صدام حسین رئیس جمهور عراق طی سخنرانی تلویزیونی خود از پیروزی نزدیک عراق در حالی یاد آوری نمود که با گرفتن نام های فرماندهان عراقی که در شهر های تحت فرمان شان مقاومت نموده بودند، خصوصاً افراد لشکر ۴۵ ام القصر را ستودو از مردم عراق خواستار



پایمردی و مقاومت شد، تا دشمن را خسته و فرسوده نموده شکست دهند. وی امریکا ئیان مهاجم را نیرو های شیطانی خوانده و از مردم بصره خواست تا صبور باشند و بدانند که نصرت الهی با ایشان است.

بنا بر گزارش تلویزیون العالم در همین روز پنجاه سرباز امریکایی در ناصریه کشته شدند و ده تن آنان به اسارت عراقی ها در آمدند، تعداد مجروحین نیز در همین حدود بوده درحالی که سه روز پیش امریکا ادعای تصرف این شهررا نموده بود.

در همین روز دو سرباز بریتانیایی نیز اسیر عراقی ها شدند یک روز پیش از آن یک سر باز امریکایی به نام کمال حسن با پرتاب بمب دستی دوسرباز امریکا را کشته و دوازده تن دیگر را مجروح گردانید. این سر باز قبل از آمدن به عراق، در امریکا به مادر خود گفته بود که در آنجا با برادران مسلمان خود نخواهد جنگید.

در اثر اصابت یک موشک امریکایی طیاره ء نیروهای بریتانیایی منهدم گردید، بنا بر گزارش مانیترینگ ایجنسی واشنگتن تا حال ۱۵ تانک امریکایی ازطرف عراقی هاازبین برده شده است.

عراقی ها در ضمن یک کمین گیری در حومهء ناصریه و حمله بالای قطار اکمالاتی امریکایی ها چند تن ازنیروهای امریکایی را اسیر نمودند و چند تن دیگر را کشتند.

این در حالی است که قوای امریکایی با تغییر تاکتیک در جنگ به جای از بین بردن مراکز فرماندهی عراقی ها به قطع راه های مواصلاتی آنان مبادرت ورزیده اند. زیرا مقاومت عراقی ها بسیار سر سختانه و شدید توصیف گردیده است.

هم چنان امریکایی ها بر عکس سال ۱۹۹۰ در جنگ های خیابانی و دفاع از شهر ها مقابل گردیده اند، دفاعی که حتی نیرومند ترین ارتش های جهان مانند ارتش نازی های المان را در آستالین گراد خسته و سر خورده گردانیده از پا در آورد.

اگر چنانچه رهبران عراق ادعای دفاع مردمی را می نمایند، واقعیت امر نیز چنین باشد و بزرگران تفنگ دارعراق قادر به سقوط دادن هلیکوپتر های امریکایی شوند، لابد این جنگ با داشتن تلفات و خسارات زیانبار طولانی و برای هر دو طرف طاقت فرسا خواهد شد.

همچنان عراقی ها بانشست دادن هلیکوپتر اپاچی امریکا و د راختیار داشتن تکنولوژی عصری محاربوی همگان را دچار حیرت ساخته اند به حدی است که ایالات متحده ادعا نموده که راکت های پیشرفته و رهبری شوندهء ضد تانک، تکنولوژی برهم زدن سیستم های برقی ، را کمپنی های روسی در اختیار رژیم عراق گذاشته اند شخص بوش از دوکمپنی روسی نام برد و مستقیماً به رئیس جمهور پوتین در مورد اظهار نگرانی خود را ابراز داشت.

در مقابل روس ها در کنار تردید این ادعای امریکایی ها گفته اند که خریداری دور بین از بازار های روسیه یک امر مجاز و غیر ممنوع می باشد، اما بعد از تحریم اسلحه بر عراق، آنها به این رژیم اسلحه نفروخته اند، ورنه طیارات امریکایی نمی توانست بر فراز عراق پرواز نمایند و روس ها اظهار داشته اند که سیستم رهبری بمب ها را ارتش امریکا از آنها خریداری می نماید. ولادیمیر پوتین اظهار داشت اگر امریکا اسناد و مدارکی در دست داشته باشد، در صورت ارائه آن منابع تحویل دهنده را مورد پیگرد قرار خواهند داد.

وزارت خارجهٔروسیه نیز این اتهامات را جداً رد کرد، آقای فدوتوف معاون وزارت خارجهٔروسیه در جنب تردید این ادعا اظهار داشت که نباید برنامهٔ تصویب شدهٔ نفت در مقابل غذای سازمان ملل متحد تجدید برنامه شده یا تأخیری در ان روتما گردد زیرا بسیاری شرکت های روسیه دراین برنامه سهم دارند ونباید آنها لطمه ببیند. وی این عملیات امریکا و بریتانیا را عملیات غیر قانونی نظامی خواند. همچنان رئیس باز نشسته ادارهٔ بین المللی ارتش



روسیه فروش تکنولوژی عصری روسیه را از طریق کشور ثالث به عراق غیر مردود شمرد و مانعاز شدن آن را محال دانست.

از سوی دیگر با آن که حکومت ترکیه به طیارات امریکایی اجازهٔ استفاده از فضای این کشور را داده است، اما مشکل فرستادن قوای نظامی ترکیه به مناطق کرد نشین شمال عراق میان اصرار دولت ترکیه بر فرستادن آن ها و خواست امریکایی ها بر عدم فرستادن قوا از جانب ترکیه و جلوگیری از جنگ میان کردها و ترک ها یکی از مسایل مبهم در این جنگ به شمار می رود. از جانب دیگر آمریکا با بمباردمان پیهم مراکز فرماندهی کردهای انصار الاسلام وجماعت اسلامی که هر دو از جمله سازمان های مسلمان کرد و مخالف حکومت عراق می باشند به تعداد مخالفین خود در عراق افزوده، افزون بر این ها حین تصرف بندر گاه فاو عساکر امریکایی پرچم عراق را از فراز بندر گاه فرود آورده ، به جای آن بیرق امریکا را بر فراز بندر گاه فاو بر افراشتند. به تعقیب آن در فاو مقاومت حامیان صدام شدت اختیا رنمود



وامریکایی ها مانند ام القصر وادار به عقب نشینی از آن جا نیز شدند.

اتحادیه عرب طی نشستی در قاهره خواستار قطع هر چه زود تر جنگ گردید.

حسنی مبارک رئیس جمهور مصر با تشویش از به درازا کشیدن جنگ و سرایت خطرات آن به منطقه اظهار نگرانی نموده است.

درشهراردبیل واقع در شمال عراق ارتش آن کشور جنگ شدیدی را علیه کردهای این منطقه که نیروهای امریکایی نیز از آن ها حمایت می نمایند آغاز نموده است.

در روز دوم جنگ امریکایی ها عده یی از عساکر عراقی را که به آن ها تسلیم شده بودند در حالت تفتیش بدنی واسارت، در پردهٔتلویزیون به نمایش گذاشتند که برخی از منابع بین المللی این عمل را مغایر کنوانسیون ژنیو خواندند اینک عراقیها نیز اسرا و کشته شد گان امریکایی را که یک زن نیز در جمله اسرا شامل می باشد در پردهٔ تلویزیون په نمایش گذاشتند.

حکومت امریکا از حکومت عراق خواسته تا با احترام به مفادات کنوانسیون ژنیو از این عمل خود داری نماید.

هر چند تعدادتلفات عراقی ها اعم از زخمی و کشته به صدها تن می رسد، اما تا امروز امریکا قادر به تصرف هیچ یک از شهرهای این کشور نگردیده است، در عین زمان ارتش عراق در دفاع از کشور شان مصمم به نظر می خورند به حدی که ناظران سیاسی اظهار داشته اند عراقیها ابتکار عمل را در عرصهٔ تبلیغات و میدان های نبرد از امریکایی ها ربوده اند.

امواج اعتراض بر این جنگ در افغانستان نیز با وجود حمایت دولت انتقالی اسلامی افغانستان از حملات امریکا بر عراق در ولایت لغمان به شکل تظاهرات گسترده یی که به گفتهٔرادیو آزادی حدود سیزده هزار تن در آن شرکت داشتند شکل گرفت و این سلسله در سراسر جهان همچنان ادامه داشته، تظاهر کنندگان بر ضد امریکا و رئیس جمهور بش شعار می دهند. این ها همه در راستای زیر سوال رفتن چهرهٔبزرگترین دیموکراسی جهان به علت عدم التفات آن به سازمان ملل و دیگر میثاق های بین المللی می باشد. خصوصاً بلند رفتن میزان تلفات ملکی می تواند بر این میزان بیفزاید.

در عین حال حکومت امریکا به بازپرسی از عراقیان مقیم امریکا پرداخته وتاحال هفتاد تن از آنان را توقیف نموده است.

هر چندتا حال نمی توان در مورد نتایج این جنگ قضاوت کرد. با آنهم ادعا های ضد ونقیض طرفین درسر هر ساعت از طریق نشرات همه کشور ها پخش می شود انگلیس ها بعد از مایوسی از نفوذ در بصره آن شهر را هدف نظامی خوانده اند که در پی آتش باری بر آن شهر در طول دیروز ۷۰ نفر غیر نظامی کشته شدند. ساعات ظهر روز شنبه امریکایی ها ادعا داشتند که شهر ناصریه را تسخیر نموده اند ، اما در عصر همان روز طه یاسین رمضان وزیر خارجه عراق در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت که تا حال حتی یک دهکده عراق هم به تصرف نیروهای مهاجم نیامده است. وی از کشور های اسلامی واتحادیه عرب که صرفاً به محکومیت حملات امریکا و بریتانیا ودر تقابل بودن آن با منشور سازمان ملل بسنده کرده اند. انتقاد نموده از کشور های اسلامی و اتحادیه عرب خواستار اقدامات عملی در زمینه حمایت از عراق گردید.

چند روز قبل وزیر خارجه عراق ادعا کرده بود که در بین راکت های منفجر ناشده شلیک شده بر بغداد یک راکت اسرائیلی که بر روی آن مارک اسرائیلی بودنش واضح معلوم می شود به دست آمده است. در صورت صحت این ادعا حکومت عراق می تواند در برانگیختن احساسات عراب وسایر مسلمانان در حد اعظمی بهره برداری نماید.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره بیستم چهارشنبه ٦ حمل ۱۳۸۲ – ۲٦محرم الحرام ۱٤۲۴ – 27 March 2003

آقا محمد ظریف شاگرد ممتاز سال:

هیچ باورم نمی شدکه به این جایگاه برسم

در آغاز سال تعلیمی جدید به ابتکار وزارت معارف ، امتحان کانکور سراسری میان اول نمره های صنوف دواز دهم مکاتب شهرکابل و ولایات افغانستان به راه افتاد. در این امتحان ۳۵ تن از شاگردان ممتاز که از جمله ۸ تن آنان دختران ممتاز بودند، اشتراک داشتند. وزارت معارف برای نخستین بار در تاریخ معارف کشور امتیازات مادی ومعنوی خوبی را به اشتراک کنند گان و برندگان مقام های اول و دوم و سوم این کانکور اهدا نمود. برای برنده مقام اول مبلغ پنجاه هزار افغانی پول نقد، یک قاب ساعت رادو و مقداری کتابچه و قلم و بکس.

برای برنده مقام دوم مبلغ ۳۰ هزار افغانی پول نقدو یک قاب ساعت و برای برنده مقام سوم مبلغ ۲۰ هزار افغانی پول نقد و یک قاب ساعت. برای سایر اشتراک کنند گان این کانکور مبلغ ده هزار افغانی پول نقد ویک قاب ساعت تفویض گردید.

برنده مقام اول این کانکور آقا محمد ظریف فرزند مرزا محمد مراد از ایبک ولایت سمنگان می باشد که شاگرد ممتاز سال شناخته شد.

به این بهانه ما سراغ آقا محمد ظریف را گرفتیم تا سخنانی با او داشته باشیم.

او که در ایبک سمنگان تولد یافته ، دوره ابتدایی را درمکتب دره زندان به پایان رسانیده و پس از صنف نهم شامل لیسه ایبک گردیده است. صنف دهم را به پایان رسانید ولی بنابر شرایط ناگوار در دوران تسلط طالبان مکتب را ترک گفت، تا این که در سال ۱۳۸۰ دوباره به مکتب رو آورده و در پایان صنف یازدهم به درجه عالی موفق گردیده است. پدرش افسر نظامی بودکه در دوران کمونیست ها از طرف عمال دولت دستگیر و نا پدید گردید تا کنون از سر نوشتش سراغی نیست.

آقا محمد بعداز ناپدید شدن پدر با برادرش که اندکی از او بزرگتر است نان آور خانواده بودند که با زحمات زیادی این بارگران را به دوش کشیده. وی در پهلوی آن از ادامه تحصیل لحظه یی غفلت نورزیده است.

وقتی احساسش را از این کامیابی و موفقیت بزرگ جویا شدم، در سیمایش شادی و خوشی را در یافتم که هرگز باورش نمی شد که یک فرزند بی بضاعت از یک روستای دور کشور در میان جمعی از شهری هایی که با امکانات بهتر زیسته اند چنین امتیازی را به دست آورد.

از او پرسیدم به چه چیز ها علاقه دارد؟

گفت: به مطالعه کتب تاریخی ، خواندن مجلات و شنیدن رادیو بیشتر علاقه دارم.

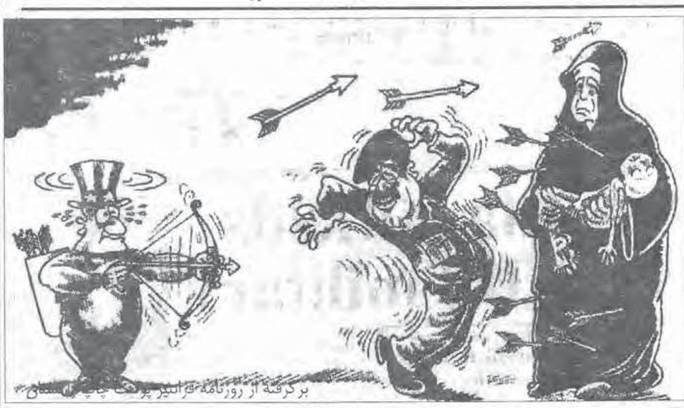


او می گوید: برای اولین بار احساس کردم که در برابر یک امتحان و اقعی و قضاوت عا دلانه و در ست قرارگرفته ام. این امتحان عامل بزرگ برای تشویق شاگردان مکاتب می باشد نه تنها برای شاگردان مکاتب شهر کابل بلکه برای شاگردان سراسر ولایات کشور سودمند می باشد.

او علاقه مند است که در آینده یک ژورنالیست خوب باشد تا بتواند مصدر خدمت خوب به وطن و هموطنانش گردد. از او خواستم آخرین آرزو مندی و پیامش را بگوید: او می گوید جوانان ، باید درس اسلامیت و شجاعت و وطن دوستی را از پدران شان بیاموزند و به هیچگونه تقلید بیگانه و فرهنگ بیگانه تن در ندهند.

مصاحبه از : مسیح عبد الله

یاداشت:سعی می کنیم در شماره های بعدی صحبتی داشته باشیم با برندگان مقام دوم و سوم این کانکور.



برگرفته از روزنامه فرانتیر پوست چاپ پاکستان

آیندهٔ مناسبات...

تصور می شود، سکوت دوامدار بر مسأله وگذشت زمان، در صورتی که عکس العمل مطلوب ولازم دیپلوماتیک را در پی نداشته باشد طی یک مدت طولانی سبب دامن زدن نزاع جدی سیاسی میان هردو کشور خواهد شد.

روز معارف تجلیل...

وی در مورد تغییرات و نو آوری های اساسی در عرصه تعلیم و تربیه گفت: سیستم تعلیمی کنونی جوابگوی نیازمندی های امروزی نسل جدید افغانستان نیست. ما قصد داریم سیستم جدید شاگرد محوری را جای گزین سیستم کهنه و غیر موفق معلم محوری نماییم و زمینه مشارکت فعال و رشد ذهنی و سلوکی شاگردان را مهیا سازیم. ما می خواهیم شاگردان با ارزش های فرهنگی سالم دینی و ملی خویش تربیت شوند. وزیر معارف بخشی از و ظایفی راکه طی سال گذشته انجام یافته است بر شمرد و گفت: در سال گذشته ۵۳۸ باب مکتب اعمار و ترمیم و ۱۱۰ با ب مدرسه و دارالحفاظ احیا گردیده است.

۶۹ مرکز سواد حیاتی و متمم کارگری و حرفوی ایجاد و ۱۲۰۷۰۳ شاگرد در آنها جذب گردیده است.

راه اندازی کچکول معارف به منظور کمک به معلمین و تاسیس ریاست کوپراتیف برای معلمین از جمله اقدامات دیگر این وزارت می باشد. وی پلان انکشافی وتعلیمی سال جدید را چنین بیان کرد: اعمار و ترمیم ۸۵ باب مکتب، یک مرکز تربیه معلم در هر و لایت، تهیه ۱،۵ ملیون میز و چوکی و ۱۳،۹ میلیون کتب درسی و ایجاد ۱۰۳۶ کتابخانه و لابراتوار برای ۱۰۰۳ باب لیسه و ۲۳ مرکز تربیه معلم.

بعد اً لخضر براهیمی طی سخنرانی خود گفت: ما کوشش داریم که به خاطر بازسازی معارف افغانستان همکاری های اقتصادی خویش را توسعه بدهیم. در این محفل مدال معارف افغانستان به محترم حامد کرزی اهدا گردید. در این محفل برای ۳۵ تن از شاگردان ممتاز جوایز مادی و معنوی اعطا گردید.

از نامه های آمده

جسارتی هولناک برحریم مقدسات اسلامی

تحت عنوان "محراب مسجدی را بستند تا ازآن استفاده دیگری کنند" درشماره اول ۲۱ دلو۱۳۸۱ صفحهٔ چهارم هفته نامه "راه ابریشم" منتشرهٔ مزار شریف به چاپ رسیده است.

بخشی از این نوشته ها را که روی چه انگیزه محراب مسجد را بستندو این اقدام روی چه هدفی بوده است؟ بدون تصرف نقل می کنم:

اخیراً در کارته نور خدای شهر مزار شریف یک باب مسجد که از سوی برخی از عناصر گمراه محراب ودروازه آن به روی نماز گزاران مسدود شده بود به اثر تقاضای مردم متدین محل زیر نظر هیات باصلاحیت دولتی ومراجع ذیصلاح امنیتی دیواریکه به روی محراب مسجد مذکور کشیده شده بود تخریب ودوباره دروازه آن به روی نماز گزاران کشوده شد.

یک منبع شورای علما وروحانیون ریاست حج واوقاف ولایت بلخ گزارش داد که دراین اواخر با استفاده نا روا از فضای صلح وآزادی در کشور عده یی از افراد گمراه ووابسته به بیگانه ها به فعالیت های ضد اسلامی می پردازند که از جمله یکی هم حادثه مسدود کردن مسجد کارته نور خداست.

قرار معلوم این عمل واقدامات مشابه آن به قصد ایجاد وتجدید اختلافات ونفاق در میان پیروان مذاهب با هم برادر اسلامی کشور اعم از اهل سنت وجماعت ، شیعه جعفری واسماعلیه از سوی گروهی خارجی ها زیر پوشش یک موسسه خارجی به اصطلاح خیریه تحریک وسازماندهی می گردد.

برای صحت وسقم این نوشته هفته گذشته به شهر مزار شریف سفر نمودم از مردم محل وارگانهای ذیصلاح دولتی در مورد این حرکت وجسارت ضد اسلامی این گروه گمراه وفتنه گر طالب معلومات شدم آنچه در این زمینه به دستم آمد افراد خارجی مربوط به یک موسسه خارجی کمک دهنده این عمل را انجام داده اند.

این گروه گمراه وفتنه جو یک ماه قبل محراب مسجد کارته نورخدا را با افراشتن دیواری از میان مسجد از بین بردند، محراب مسجد مسدود وصحن مسجد را مانند یک سالون دیکور در آن کورسهای کمپیوتر ولسان انگلیسی را دایر نمودند. مردم متدین محل نور خدا در برابر این حرکت شدیداً عکس العمل نشان دادند و به ارگانهای دولتی ومراجع ذیصلاح شکایت کردند وارگانهای مذکور به وقت وزمانش به این شکایت رسید گی کردند و قضیه را تحت بررسی وتحقیق قرار دادند. که نه تنها محراب ودروازه مسجد را به روی نماز گزاران بازگشایی کردند بلکه جسارت این گروه گمراه را یک عمل ضد اسلامی پنداشته ودوسیه این قضیه رارسماً جهت اجرآات قضایی وشرعی به مقام عالی ستره محکمه دولت انتقالی اسلامی ارسال داشتند، در مورد شورای عالی ستره محکمه فیصله به عمل آورد که مزین به امضای محترم قاضی القضات صاحب است .

ولی جناب رئیس ستره محکمه جهت تعقیب وتحقیق واقامه دعوی علیه عاملین جنایت، این قضیه را به لوی حارنوالی ارسال داشته است.

دیده شود که مقام محترم لوی حارنوالی در زمینه چه اجرات می کندو از شریعت غرای محمدی، از مقدسات دین اسلام دفاع خواهد کرد یا از آن گروه گمراه؟

ولی حرف ما چه است؟مثل عامیانه مردم ماست که گفته اند:

"باهمه بازی، باریش بابه هم بازی"

این است لجام گسیخته گی وحرکات جسورانه ضد اسلامی که از مسجد کورس کمپیوتر وزبان انگلیسی ساختند، نوع بازی های جدید وخیلی خطرناک در این مقطع زمانی می باشد که وطن ما وارد مرحله تازه حیات سیاسی واجتماعی وفرهنگی خود شده است. انواع سبوتاژو حرکات تحریک آمیز به خاطر تشدید نفاق قومی ومذهبی به منظور بطی سازی جو تازه ایجاد شده سیاسی در وطن ماست که بدون شک دست بیگانه ها دراین نوع حرکات دخیل است.

چون وطن ما یک کشور اسلامی است دین اسلام ومقدسات آن اساس فرهنگ کلتور و سنت ها وعلایق و خواسته هاو باورهای مردم بوده وبالاخره این ارزش ها به جسم وروح و معنویت مردم این سرزمین تبدیل شده است. اهانت به این ارزش ها هرگز قابل عفو وبخشش نیست. هر کسی که به دین اسلام ومقدسات آن اهانت را انجام می دهد شدیداً قابل بازپرس است.

محمد صابر یکی از باشندگان
کارته نورخدا – شهر مزار شریف